



ادراک رهبران ترکیه و عربستان از مقوله محور مقاومت

نجمیه پوراسمعیلی^۱

علی اسمعیلی اردکانی^۲

چکیده

برداشت‌های درست و نادرست بر مناسبات دولت‌ها و در نتیجه، بر مناسبات منطقه‌ای تأثیرگذار است. وضعیت امروز منطقه خاورمیانه، مصداق روشنی برای بحث درباره برداشت‌های درست و نادرست بازیگران مؤثر است. در این شرایط، رهبران دو کشور ترکیه و عربستان، با توجه به شخصیت و ذهنیت متفاوتشان، نوع نگاه، تفسیر، برداشت، تصمیم، و سیاست خارجی متفاوتی را در مورد موضوع‌های گوناگون در منطقه خاورمیانه و از جمله در حوزه اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی ایران پیگیری می‌کنند؛ از این رو، تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری ذهنیت متفاوت این رهبران درباره موضوع‌های گوناگون در سطح منطقه و بین الملل، بسیار ضروری است. بر این اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر این تأثیرگذاری، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که: «ذهنیت متفاوت رهبران ترکیه و عربستان درباره ماهیت و اهداف محور مقاومت، به عنوان یکی از متغیرهای کلیدی نظم و نظام سیاسی و امنیتی این منطقه، چگونه قابل تبیین است؟» بر پایه فرضیه پژوهش، «مبانی و زمینه‌های شکل‌گیری ذهنیت و دیدگاه این رهبران درباره محور مقاومت را در زنجیره‌ای از سه گزاره تفاوت در منافع و اهداف، تفاوت در ماهیت سیاست خارجی، و سیاست‌ها و اقدامات انجام‌شده براساس این ماهیت، می‌توان توضیح داد»؛ زنجیره‌ای که نشان می‌دهد، ذهنیت متفاوت این رهبران بر پایه ارتباط میان این سه گزاره بر شکل سیاست‌ها و اقدامات در مورد مسائلی مانند محور مقاومت، نظم امنیتی منطقه‌ای، مشارکت یا تعامل با غرب، حل و فصل مسئله اسرائیل فلسطین، و... تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: اردوغان، محمدبن سلمان، ملک سلمان، خاورمیانه، محور مقاومت

۱. دانش‌آموخته دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

<https://orcid.org/0000-0001-7211-0274>

nj.poresmaili@gmail.com

۲. استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0001-8032-7609>

ali.ardakani@atu.ac.ir



The Perception of the Turkiye and Saudi Arabia's Leaders on the Axis of Resistance

Najmieh Poresmaili^۱

Ali Esmaili Ardakani^۲

Perceptions and misperceptions frequently affect government relations, subsequently impeding regional relationships. The present state of affairs in the Middle East is a perfect instance of how influential actors' perceptions and misperceptions affect the area, which remains a debated topic. Since the leaders of Turkey and Saudi Arabia have distinct personalities and mentalities, they take different approaches in terms of perspectives, analyses, judgments, and foreign policies on a variety of topics in the Middle East, particularly in relation to Iranian foreign policy goals and priorities. Therefore, it is crucial to examine how these varying mentalities have impacted their approaches to different regional and international issues. The article examines the differing perspectives of Turkish and Saudi Arabian leaders regarding the nature and goals of the Axis of Resistance, a crucial element of the regional political and security structure. The authors present a three-part series of propositions to clarify the reasoning behind these leaders' views on the Axis of Resistance. The differences in policies and actions among these leaders show that their varying mentalities, influenced by the three aforementioned propositions, have affected strategies and actions related to important matters like regional security, interactions with Western nations, the Axis of Resistance, and resolving the Palestinian-Israeli conflict.

Keywords: Erdogan, Mohammad bin Salman, Malik Salman, Middle East, Axis of Resistance



۶۰

پژوهش‌نامه ایرانی
سیاست بین‌الملل،
سال ۱۲، شماره ۱، شماره
پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان
۱۴۰۲

^۱ PhD student in International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran / nj.poresmaili@gmail.com

^۲ Assistant Professor of International Relations at Allameh Tabataba'i University/
ali.ardakani@atu.ac.ir

تحولات جهان عرب و ظهور داعش، چهره ائتلاف و اتحاد در منطقه خاورمیانه را متحول کرد. پس از موفقیت تهران در استفاده دقیق از چالش ایجادشده توسط آمریکا در عراق و پس از آن، پیروزی حزب‌الله در جنگ با اسرائیل در سال ۲۰۰۶، شرایط به گونه‌ای رقم خورد که ایران در متن خیزش جهان عرب، الگوی شیعی خود را به‌عنوان راه نجات جامعه اسلامی از وابستگی‌های خارجی معرفی کند. این وضعیت، شرایط را برای تثبیت عملیاتی مفهوم مقاومت در صحنه منطقه‌ای و جهانی فراهم کرد. ظهور داعش و توان و تجربه عملیاتی برآمده از جنگ عراق و ناآرامی‌های سوریه، فرصت مبارزه با داعش را برای ایران فراهم کرد. این شرایط که با همراهی بسیاری از گروه‌های شیعه و سنی منطقه پیش رفت، زمینه تثبیت عملیاتی و مفهومی بیش‌ازپیش ارتباط محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرد.

در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه در دو کشور عربستان و ترکیه، تأثیرگذارترین بازیگران در عرصه سیاست خارجی، رهبران سیاسی دولت‌ها هستند؛ به‌بیان روشن‌تر، تصمیم‌های سیاست خارجی، به‌ویژه در کشورهایی که شخصیت‌محور هستند، به‌طور عمده ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و ذهنیت رهبران است. در واقع، ذهن رهبران، با تصمیم‌هایی که می‌گیرند، وضعیت حال و آینده یک کشور را می‌سازد. زمانی که سیاست خارجی کشورها، برآمده از منافع آن‌ها و ذهنیت رهبران‌شان فهم شود، یا زمانی که ذهنیت رهبران و منافع کشورها، برآمده از هویت آن‌ها تعریف شود، تغییراتی در سیاست خارجی آن‌ها نیز روی نخواهد داد؛ مگر اینکه تحول شگرف و شگفتی‌سازی در عرصه داخلی، منطقه‌ای، یا بین‌المللی در ارتباط با آن کشور یا موضوع مشخصی که در دستور کار است، روی دهد.

در مورد دلیل انتخاب این دو کشور از میان کشورهای منطقه خاورمیانه باید گفت، نخست اینکه هر دو کشور در کنار ایران، به‌عنوان قطب قدرت در منطقه خاورمیانه مطرح بوده و هستند. دوم اینکه هر دو کشور، مدعی ایجاد یک نظم مبتنی بر ایدئولوژی خاص خود در منطقه بوده و هستند. گفتنی است، اگرچه این دو کشور، هدف یادشده را به‌صورت علنی مطرح نکرده‌اند، اما می‌توان تلاش برای تحقق آن را به‌صورت ضمنی در گفتار و برخی از اقدامات این کشورها دید. عربستان در پی استقرار نظم مبتنی بر ایدئولوژی اسلام وهابی و ترکیه، در پی نظم مبتنی بر ایدئولوژی اسلام اخوانی است.

همان‌گونه که اشاره شد، رهبران دو کشور ترکیه و عربستان، با توجه به شخصیت و ذهنیت متفاوتشان، نوع نگاه، تفسیر، برداشت، تصمیم و سیاست خارجی متفاوتی را در مورد موضوع‌های گوناگون در منطقه خاورمیانه و از جمله در ارتباط با اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی ایران، پیگیری می‌کنند؛ بنابراین،



شناخت شخصیت و ذهنیت متفاوت رهبران درباره موضوع‌های گوناگون در سطح منطقه و بین‌الملل، ضروری است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «ذهنیت متفاوت رهبران ترکیه و عربستان درباره ماهیت و اهداف محور مقاومت، چگونه قابل تبیین است؟»

در مقاله حاضر تلاش شده است با بررسی جایگاه محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و برداشت رهبران ترکیه و عربستان از شکل کنشگری محور مقاومت، تفاوت ذهنیت در نگاه رهبران بازیگران اصلی خاورمیانه درباره این محور، بررسی شود. برای رسیدن به هدف یادشده، ابتدا طرح نظری رویکرد ادراکی بررسی شده و سپس، چارچوب فهم محور مقاومت در سیاست خارجی ایران ارائه خواهد شد. بخش سوم مقاله، با محوریت تحلیل محتوا، نگاه رهبران ترکیه و عربستان را به عناصر سازنده محور مقاومت توضیح خواهد داد و مبانی تفاوت و در نتیجه، تعارض ادراکی از محور مقاومت در نزد سه کشور نیز در بخش پایانی تبیین خواهد شد.

روش به کاررفته در این پژوهش، روش تحلیل محتوای کیفی است. در پژوهش‌های مربوط به شخصیت‌شناسی رهبران، استفاده از روش تحلیل محتوا، توصیه می‌شود. در واقع، با بررسی سخنان و بیانیه‌های صادرشده از سوی مقامات یک کشور با کمک روش تحلیل محتوا (کمی یا کیفی)، می‌توان سخنان آن‌ها را به صورت عملیاتی، رمزگشایی کرد. استیون دیسن بر این نظر است که: «در شرایطی که امکان دسترسی به رهبران به‌طور معمول برای پژوهشگران وجود ندارد، از رویکرد «بافاصله» استفاده می‌شود که بر مبنای آن، تحلیل محتوای سخنان رهبران را می‌توان برای کسب اطلاعات درباره باورها، انگیزه‌ها، و شخصیت آن‌ها به کار گرفت. از آنجا که فرایندهای فکری، بنیان ارتباطات شفاهی یا کتبی را تشکیل می‌دهند، می‌توان چنین استنباط کرد که میان فرایند فکری و سخنان، ارتباطی وجود دارد و این سخنان، اعم از کتبی و شفاهی، می‌توانند ابعاد مهمی از فرایند فکری را آشکار کنند» (Moshirzadeh, 2017, 180).

۱. چارچوب نظری پژوهش

رویکرد به کاررفته در پژوهش حاضر، رویکرد ادراکی است که پیش‌ازین، آثار برجسته‌ای با استفاده از آن نگاشته شده است؛ برای مثال، می‌توان به مقاله‌هایی از مارگارت هرمان با عنوان‌های «ارزیابی سبک رهبری: تجزیه و تحلیل صفات» (Hermann, 2002)، «تبیین رفتار سیاست خارجی با استفاده از ویژگی‌های شخصی رهبران سیاسی» (Hermann, 1980)، «ارزیابی جهت‌گیری‌های نقش سیاست خارجی رهبران آفریقایی در صحرای جنوبی» (Hermann, 1987)، «ارزیابی سبک رهبری: تجزیه و تحلیل یک ویژگی» (Hermann,

(2002; Hermann, 2010)، «تغییر دوره: وقتی دولت تصمیم می‌گیرد مسیر سیاست خارجی را تغییر دهد» (Hermann, 1990)، «شیوه‌های رهبری نخست‌وزیران: تفاوت‌های فردی بر روند سیاست‌گذاری خارجی چه تأثیری دارد» (Kaarbo and Hermann, 1998) و «ادراک: راهنمایی برای مدیران و رهبران» از آلفرد اوتارا (Otara, 2011)، اشاره کرد.

به‌نظر نگارندگان پژوهش حاضر، برداشت‌های درست یا نادرست رهبران از واقعیت یا حقیقت، نتیجه ادراک‌ها و ذهنیت‌های متفاوتی است که هریک از آن‌ها دارند. به بیان روشن‌تر، رهبران، ادراک و ذهنیت متفاوتی دارند؛ در نتیجه، برداشت‌های درست و نادرست متفاوتی نیز خواهند داشت. جرویس می‌گوید: «از آنجا که رهبران، ذهنیت (پالایه‌های شناخت) متفاوتی دارند، برداشت‌های متفاوتی از رویدادها خواهند داشت؛ بنابراین، می‌توان گفت، رهبران، بر پایه برداشت خود از محرک‌های بیرونی به آن‌ها پاسخ خواهند داد. تصورات و برداشت‌ها یا در واقع، مفروضات کنشگران، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها دارند. آنچه درباره تهدیدها در عرصه بین‌المللی مهم است، چگونگی برداشت کنشگران از آن‌هاست. جرویس نشان می‌دهد که برداشت‌ها اهمیت دارند؛ زیرا، تنها در صورتی می‌توان سهم آن‌ها را از تبیین حذف کرد که همه پاسخ‌گویان به محرک‌های بیرونی، پاسخ یکسانی بدهند؛ اما چنین نیست. باورهای افراد درباره جهان و تصویری که از دیگران دارند یعنی ادراک‌های آن‌ها بخشی از علل نزدیک کنش را تشکیل می‌دهند. ریشه بسیاری از اختلاف‌های داخلی حکومت‌ها درباره سیاست مناسب نیز، وجود برداشت‌های متفاوت بوده و بخش مهمی از شکست‌ها در سیاست خارجی، ناشی از برداشت‌های نادرست است؛ بنابراین، بحث درباره برداشت‌های درست و نادرست، پیامدهای عملی‌ای نیز دارد» (Moshirzadeh, 2017, 156).

یافته‌های ریچارد هرمان نیز نشان می‌دهد که «برداشت‌ها، تاحدی انتخاب سیاست‌ها را تعیین می‌کنند و زمینه و معیار ارزیابی موفقیت سیاسی را نیز تعریف می‌کنند؛ بنابراین، می‌توان آن‌ها را متغیر مستقلی دانست که کمابیش می‌توانند بر انتخاب سیاست‌ها در عرصه سیاست خارجی، تأثیرگذار باشند» (Moshirzadeh, 2017, 159). بر این اساس، رهبران با توجه به برداشت‌های پیشین خود و ذهنیت و پالایه‌های شناختشان، با واقعیت‌ها روبه‌رو می‌شوند و در نتیجه، آن‌گونه که خود می‌خواهند، چیزهایی را می‌بینند و چیزهایی را نمی‌بینند.



رهبران، براساس شخصیت و پالایه‌های شناخت در ذهنیت خود، تصاویر ذهنی را از همه واقعیت‌های محیط خارجی، پردازش می‌کنند. این تصاویر می‌توانند همسو با واقعیت باشند و برداشت درستی را برای رهبران به همراه داشته باشند یا اینکه همسو با واقعیت نباشند و برداشت نادرستی را برای آنها بسازند. *مارتا کاتم* بر این نظر است که «تصاویر ذهنی، ابزاری تفسیری هستند که غربالگری ادراکی را امکان‌پذیر، و کمک می‌کنند تا محیط در ذهن تصمیم‌گیرنده، سازمان یابد. تصاویر، نوعی طبقه‌بندی هستند که برای هر مقوله، مجموعه‌ای از اطلاعات را به همراه دارند؛ به این معنا که برداشت از دیگری با فرض برخی ویژگی‌های رفتاری برای او، بدیل‌های رفتاری ویژه‌ای را برای برخورد با او و تمایلات رفتاری از سوی او و درقبال او، به همراه دارد؛ به عنوان نمونه، هنگامی که کشوری، دشمن نیرومندی به‌شمار آید، ناگزیر، هر اقدامی از سوی او، اقدامی بدخواهانه تعبیر می‌شود» (Moshirzadeh, 2017, 161).

پس از شکل‌گیری تصویر خاصی از دیگران، تغییر آن دشوار است. اینکه طرف مقابل، دوست، دشمن، تهدیدگر، فرصت‌ساز، همکار، متحد، محافظه‌کار، انقلابی، طرفدار حفظ وضع موجود، امپریالیست، به‌لحاظ قدرت «توانمند، قوی، یا ضعیف»، و به‌لحاظ فرهنگی متمایز، برتر، یا پست‌تر تصور شود، در انتخاب گزینه‌های سیاست‌گذاری، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. نظریه تصویر ذهنی می‌تواند با مشخص کردن مقوله‌ای که از طرف مقابل در ذهن دولتمردان وجود دارد، نشان دهد که چگونه این تصویر، سیاست خارجی آن کشور را در مورد یک کشور خاص شکل می‌دهد (Moshirzadeh, 2017, 164-165)؛ بنابراین، می‌توان گفت که «برداشت»، بازنمایی ادراکی یک تصویر ذهنی از واقعیت یا کنشگر دیگر در جهان و بستری است که تصمیم‌های سیاست خارجی در آن اتخاذ می‌شود.

در این چارچوب، رویکرد سیاست خارجی دولت‌ها تحت تأثیر برداشت‌های آنها از خود و بازیگران دیگر شکل می‌گیرد؛ بنابراین، آنچه رفتار و تصمیم‌های رهبران را تعیین می‌کند، نه عین واقعیت، بلکه تصویری است که از واقعیت دارند. در نتیجه، تصور آنها از واقعیت‌های جامعه داخلی و خارجی، بر رفتار آنها (تصمیم‌گیری‌های آنها) تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. حال اگر تصور آنها از واقعیت این دو محیط، «نادرست» باشد، منجر به رفتار «نادرست»، یعنی تصمیم‌گیری نادرست می‌شود که این تصمیم‌های نادرست، نتایج نامطلوبی به بار خواهد آورد. بنا بر این نظر است که: «رهبر خردمند و منطقی، کسی است که برداشت درستی از واقعیت‌های جامعه و جهان خود دارد» (Rameshgar, undated, 1). هنگامی که یک

نفر، تصویری خصمانه از دیگری در ذهن می‌پروراند، اطلاعات مبهم و حتی ناسازگاری را نیز با آن تصویر همانند می‌کند. اگر آنان، دولتی را دشمن به‌شمار آورند، رفتاری را که شاید دیگران، رفتاری بی‌طرفانه یا دوستانه بدانند، نادیده می‌گیرند، مخدوش می‌کنند، یا همچون تلاشی برای نیرنگ تلقی می‌کنند. این جمود شناختی، احتمال اقتدارگریزی بین‌المللی را تقویت می‌کند (Jervis, 2011, 1) و همین برداشت‌های شخصی غیرواقعی می‌توانند علت بروز جنگ و تنش باشند.

۲. محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

پیروی از ایدئولوژی در عرصه سیاست خارجی، نشان‌دهنده پیوند و تأثیرپذیری سیاست خارجی از سیاست داخلی است. ماهیت سیاست خارجی ایران نیز متأثر از مبانی ایدئولوژیکی و روایت خاص آن از دین اسلام، یعنی اسلام سیاسی و اسلام انقلابی، است. این نوع روایت از اسلام، برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی ایران و مبتنی بر اندیشه سیاسی رهبران آن است. در ادامه، به‌منظور درک بهتر چستی «محور مقاومت» از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی این محور، تبیین شده است.

۱-۲. مبانی هستی‌شناختی محور مقاومت

کریستین چین و جیمز میتلمن (Chin & Mittelman, 2009, 569-585) در تلاشی برای مفهوم‌پردازی مقاومت معاصر در برابر جهانی‌شدن، چهار مؤلفه هستی‌شناختی را که عبارتند از شکل‌ها، عاملان، عرصه‌ها، و راهبردهای مقاومت، از یکدیگر تفکیک و تشریح کرده‌اند؛ اما در اینجا فراتر از نگاه صرف نظری، تلاش شده است مؤلفه‌های مطرح‌شده برای بررسی مبانی هستی‌شناختی محور مقاومت، تبیین شود.

الف) شکل‌های مقاومت: شکل‌های مقاومت موردنظر محور مقاومت با محوریت ایران، همه جنبه‌ها و ارکان یک جامعه را دربر می‌گیرد. درواقع، نخبگان فکری و عملی و عامه مردم با تکیه بر منابع و سنن مادی و فرهنگی خود که بتوانند نوعی از قدرت را تولید کنند، شکل‌های متفاوتی از مقاومت در برابر ساختارهایی را رقم می‌زنند که با آرمان‌ها و ایده‌های آن‌ها سازگار نباشند. مقاومت، با انگیزه ایجاد توان ایستادگی در برابر نظام سلطه و وجوه و چهره‌های گوناگون آن، از جمله مقاومت در برابر اسرائیل، رخ می‌دهد. اگرچه گفتمان محور مقاومت برای کل جهان ارائه می‌شود، اما به‌لحاظ موقعیت جغرافیایی، در حال حاضر، تلاش برای ایجاد این جامعه، در سطح منطقه و جهان اسلام مطرح است.

این جامعه، جامعه‌ای مقاوم است که بایستی همه ارکان آن، به مقاومت، پایداری، و دفاع اشاره داشته باشد؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به اقتصاد مقاومتی، سیاست داخلی و خارجی مقاومت‌محور، سبک زندگی



مقاومتی، افزایش جمعیت، رسانه مقاومت، هنر مقاومت، تربیت افرادی که حاضر به هزینه دادن برای محور مقاومت باشند از سوی مساجد، حسینیه‌ها، مدرسه و... اشاره کرد. این مقاومت می‌تواند حرکت‌های مسلحانه نظامی، در قالب جنگ‌های متقارن یا نامتقارن با اسرائیل و آمریکا، یا جنبش‌های اعتراضی، مانند اعتراض‌ها در نوار غزه را دربر گیرد؛ بنابراین، جامعه مقاوم موردنظر محور مقاومت با محوریت ایران، به گونه‌ای هم‌زمان، دارای دو چهره سخت (نظامی) و نرم (جامعه مقاوم) است؛ اما در حال حاضر، بنا بر مقتضیات منطقه، وجه نظامی جامعه مقاوم در منطقه برجسته‌تر از وجه نرم آن است؛ اگرچه هدف غایی جامعه مقاوم، تقدم وجه نرم بر وجه نظامی است. مسئولیت ایجاد چنین جامعه‌ای به‌عهده تک‌تک افراد جامعه، بخش خصوصی، دولت، و سازمان‌های فرهنگی، اجتماعی، تبلیغاتی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی، و... است و نهادها و افراد متولی ایجاد چنین جامعه‌ای، از انواع ابزار سیاسی، امنیتی، و فرهنگی برای تحقق آن بهره می‌گیرند. از منظر محور مقاومت، به‌پیروی از نگاه گفتمانی، تحقق چنین جامعه‌ای نباید در سطح ملی و منطقه‌ای محصور بماند، بلکه لازم است که تلاش برای ایجاد چنین جامعه‌ای، در سطح جهانی نیز پیگیری شود.

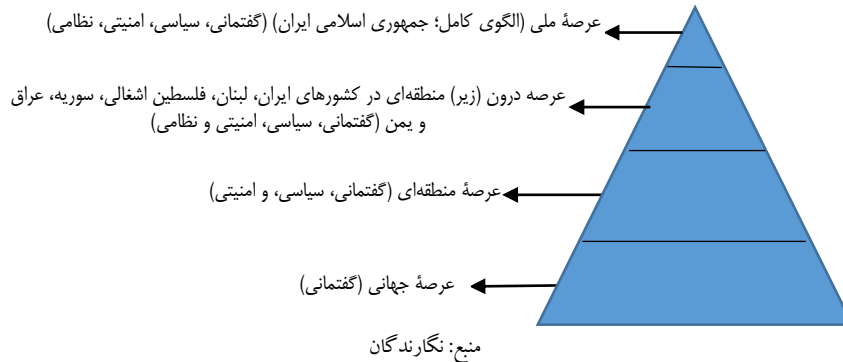
ب) عاملان مقاومت: با توجه به فراگیر بودن مقاومت در قالب جامعه فراگیر و مسئولیت فراگیر (مسئولیت برای همه افراد جامعه) ایجاد چنین جامعه‌ای، هیچ فرد، گروه، نهاد، و سازمانی وجود ندارد که به‌عنوان عامل مقاومت، تعریف نشود؛ اما با توجه به ضرورت برجسته‌تر شدن هریک از ابعاد مقاومت، مانند بعد فکری، جنبشی، یا نظامی، عاملان متفاوتی در مرکز پیشبرد اهداف آن قرار می‌گیرند؛ برای مثال، با توجه به رویکرد تهاجمی اخیر جبهه‌های عربی، و غربی علیه محور مقاومت، بخش‌های نظامی فعال آن، مانند سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، سپاه قدس، حزب الله، حشدالشعبی، و انصارالله، از عاملیت بیشتری برخوردارند. با نگاهی به جوامع تأثیرپذیرفته از مقاومت، می‌توان دید که الگوهای معرفی شده یا مورداحترام، از عاملان مقاومت در طیف‌های گوناگون فکری و عملیاتی هستند.

ج) عرصه‌های مقاومت: با توجه به محدودرات و مقصورات، محور مقاومت با محوریت ایران در هر حوزه‌ای کنشگری می‌کند. ایدئولوژی و گفتمان مقاومت نیز همانند هر ایدئولوژی و گفتمانی، خود را در مرز، سرزمین، و ژئوپلیتیک خاصی محدود و محصور نمی‌داند. تحرکات محور مقاومت در سطح منطقه خاورمیانه، در حوزه‌های گفتمانی، سیاسی، و امنیتی (تدافعی) در جریان است. همچنین، تحرکات این محور در کشورهایی که هسته‌های متصل به محور مقاومت در آن‌ها شکل گرفته است (مانند فلسطین اشغالی، لبنان، ایران، سوریه، عراق، و یمن)، برپایه تهدیدهایی که به‌گونه‌ای آشکار و برجسته وجود داشته

باشند، در ابعاد گفتمانی، سیاسی، امنیتی (تدافعی) و در صورت نیاز، نظامی، در جریان است. البته باید توجه داشت که رهبری ایده مقاومت به گونه‌ای جامع که همه ابعاد گفته شده را دربر گیرد و از سوی بازیگران بین‌المللی دیگر پذیرفته شده باشد، تنها توسط جمهوری اسلامی ایران مطرح است.

در این عرصه، محور مقاومت تلاش کرده است که جریان‌های هوادار محور مقاومت را در داخل کشورهای منطقه خاورمیانه، تشکیل دهد؛ به بیان روشن‌تر، این محور تلاش کرده است دست کم، بخش‌هایی از جامعه کشورهای منطقه را برای حمایت از محور مقاومت تحریک کند؛ برای مثال، همه جریان‌های سیاسی و جامعه کشور یمن، به محور مقاومت باور ندارند، اما با تلاش‌های محور مقاومت، امروزه برخی از جریان‌های اسلام‌گرای داخل این کشور، خود را عضوی از محور مقاومت می‌دانند. همچنین، نمی‌توان مدعی شد که همه بخش‌های جامعه عراق و جریان‌های سیاسی آن، پشتیبان محور مقاومت هستند، اما در سال‌های اخیر، با تأثیرپذیری از اقدامات محور مقاومت، بخش‌هایی از جامعه و جریان‌های سیاسی عراق به محور مقاومت پیوسته‌اند. به‌طور کلی، براساس این بعد، تلاش شده است که در داخل هر یک از کشورهای عضو منطقه خاورمیانه، دست کم بخش‌هایی از جامعه و جریان‌های سیاسی رهبری‌کننده آن، نگاه مثبتی به محور مقاومت داشته باشند. همچنین، در کشورهای دیگر منطقه که هسته‌های متصل به محور مقاومت در آن‌ها شکل نگرفته است (مانند عرصه جهانی) نیز تلاش‌هایی برای رسوخ و نفوذ گفتمان مقاومت انجام می‌شود. این عرصه‌ها را می‌توان در شکل شماره (۱) مشاهده کرد.

شکل شماره (۱). عرصه‌های محور مقاومت



همان‌گونه که در شکل شماره (۱) نشان داده شد، تاکنون تنها جمهوری اسلامی ایران، نمونه کاملی است که همه ابعاد گفتمانی، سیاسی، امنیتی و نظامی مورد نظر این محور را در نظام سیاسی و جامعه خود محقق کرده است.

د) راهبردهای مقاومت: با توجه به وجوه متفاوت مقاومت، راهبردهای آن نیز در سطوح ملی و فراملی



متفاوت و پرشمار بوده است؛ برای مثال، اگر ماهیتی ملی و غیرسیاسی داشته باشد، مقاومت، شکلی جنبشی و اجتماعی خواهد داشت. این نوع مقاومت به گونه‌ای پیوسته با راهپیمایی هفتگی، ماهانه، یا سالیانه در مکان خاص و معناداری انجام می‌شود. اما دربارهٔ محور مقاومت موردنظر پژوهش حاضر، بخشی از راهبردهای این محور، ناشی از کنش‌های نظامی-دفاعی است؛ برای مثال، می‌توان به راهبردهای «بهترین دفاع، حمله» یا «کشاندن جنگ به درون خانهٔ دشمن» اشاره کرد (حملات پهبادی و موشکی انصارالله به خاک عربستان سعودی). در بعد امنیتی، می‌توان به راهبرد جنگ‌های اطلاعاتی-امنیتی و سایبری این محور اشاره کرد. در بعد سیاسی نیز، راهبرد محور مقاومت، تلاش برای به‌قدرت رسیدن افراد یا احزاب خاصی در کشورهای همسو و حاضر در این محور (مانند ایران، عراق، سوریه، یمن، لبنان، و...) است. شاید به همین دلیل است که ادعا می‌شود، راهبرد محور مقاومت، ژئوپلیتیک محور است؛ اما این محور، بیش از آنکه در پی گسترش سرزمینی باشد، به دنبال گسترش گفتمان مقاومت در میان کشورهای منطقه و جهان است. گسترش این گفتمان، وسیله‌ای است که گسترهٔ ژئوپلیتیک محور مقاومت را افزایش می‌دهد. این امر با توسعه‌طلبی سرزمینی متفاوت است. شاید این راهبرد، سبب شده است که اتهام‌هایی مانند تلاش برای احیای امپراتوری پارسی را به ایران وارد کنند؛ درحالی‌که توسعهٔ گفتمان مقاومت با توسعه‌طلبی سرزمینی متفاوت است.

به‌طور کلی، راهبرد اصلی محور مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران، تقابل با نظام سلطه، نظام بین‌الملل کنونی، یا به‌عبارت‌دیگر، نظم بین‌المللی موجود است که آمریکا در رأس آن و کشورهایمانند اسرائیل و انگلیس، در محور آن قرار دارند. دربارهٔ نسبت محور مقاومت با تقابل به‌جای تعامل (یا مذاکره) با نظام بین‌الملل کنونی می‌توان گفت، محور مقاومت، به‌دلیل تأکید بر ارزش‌ها و اصول، کمتر وارد روندهایی مانند مذاکره یا تعامل می‌شود که ممکن است مانعی برای دستیابی به اصول موردنظر آن باشند؛ برای مثال، مباحثی همچون مذاکره بر سر اصول، ارزش‌ها و حوزهٔ فعالیت محور مقاومت، از خطوط قرمز آن به‌شمار می‌آیند؛ زیرا، به‌نظر رهبران محور مقاومت، یکی از آسیب‌های جدی هر جریان انقلابی‌ای، عرفی‌گرایی سیاسی است که به‌تدریج، موجب استحالهٔ ارزش‌ها و اصول انقلابی در ارزش‌ها و اصول عرفی جهانی می‌شود و نتیجهٔ آن، تغییر ماهیت محور مقاومت خواهد بود. به‌همین دلیل، این محور، ورود به مذاکراتی که سرانجام، سبب تغییر رفتار یا تغییر ماهیت این محور شود را نمی‌پذیرد، اما از مذاکره در حوزهٔ مباحثی همچون تقویت انسجام اسلامی، تقویت توسعهٔ اقتصادی، و توسعهٔ روابط متقابل استقبال می‌کند؛ زیرا، این مذاکرات را آسیب‌زا برای ماهیت و کلیت ارزش‌ها و اصول خود نمی‌داند.

به لحاظ معرفت‌شناختی و ماهیتی، قدرتِ محور مقاومت با محوریت ایران در سطح منطقه خاورمیانه، دارای سه لایه یا سه بعد به شرح زیر است:

الف) لایه قدرت نرم گفتمانی: در این بعد، محور مقاومت بر گفتمان مقاومت تأکید دارد که مبتنی بر مفاهیم خاص برآمده از ارزش‌های موردنظر «مقاومت» است؛ مفاهیمی مانند سلطه‌ستیزی، استکبارستیزی، مقابله با توسعه‌طلبی، ایجاد امت اسلامی، دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان، دفاع از مسلمانان جهان، انسجام اسلامی، تأکید بر تعلق فلسطین به دنیای اسلام، تعلق منطقه خاورمیانه به مردمان آن، و ضدیت با سیاست‌های دولت‌های منطقه که همسو با آمریکا و کشورهای غربی هستند، از پایه‌های گفتمان مقاومت در مقابل گفتمان سازش است. محور مقاومت، در پی این است که با بهره‌گیری از پویایی‌های سیاست در منطقه خاورمیانه، به ترویج و تبلیغ گفتمان خود، به منظور همه‌گیر و غالب کردن آن، پردازد. گفتمان رقیب محور مقاومت، گفتمان محافظه‌کاری است که خواهان حفظ وضع موجود موردنظر خود و دارای گرایش‌های غربی است. گفتمان غربی و رقیب محور مقاومت نیز دارای ادعای جهان‌شمول بودن است. اگرچه گفتمان موردنظر محور مقاومت نیز جهانی است (به گونه‌ای که همه کشورهای جهان و منطقه را دربر می‌گیرد)، با این حال، اعضای این محور برای خود در سطح ملی نیز قائل به هویت، قواعد، مقررات محلی، و ملی خاصی هستند؛ برای نمونه، حزب‌الله افزون بر هویت جهانی در قالب گفتمان جهان‌شمول محور مقاومت، خود را دارای هویت ملی نیز می‌داند. این محور برای عرضه این گفتمان به جهان، از ابزارها و دیپلماسی‌های گوناگونی مانند دیپلماسی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و عمومی استفاده می‌کند؛ اما براساس روند جاری، دیپلماسی عمومی، مؤثرتر و فعال‌تر بوده است.

جریان مقاومت تلاش می‌کند با مخاطب قرار دادن افکار عمومی دنیای اسلام و به‌ویژه کشورهای خاورمیانه، حمایت آن‌ها را جلب کند. به بیان روشن‌تر، در شرایطی که برخی از دولت‌های منطقه با نظام سلطه همکاری می‌کنند، محور مقاومت بر اثر ناامیدی از سیاست آن دولت‌ها، تلاش کرده است، افکار عمومی آن‌ها را مخاطب مباحث خود قرار دهد تا از این طریق از یک سو، حمایت بیشتر افکار عمومی را کسب کند و از سوی دیگر، کشورهای همسو با نظام سلطه را تحت فشار قرار دهد؛ برای مثال، تشکیلات خودگردان فلسطین، همواره در پی صلح با اسرائیل و پذیرش آن بوده است، اما در سال‌های اخیر مشاهده شده است که افکار عمومی حاکم بر کرانه باختری، با سیاست‌های تشکیلات خودگردان فلسطین، موافق نیستند.

ب) لایه قدرت سخت دفاعی: اعضای محور مقاومت، به سبب ضرورت و لزوم حفظ و ارتقای توان



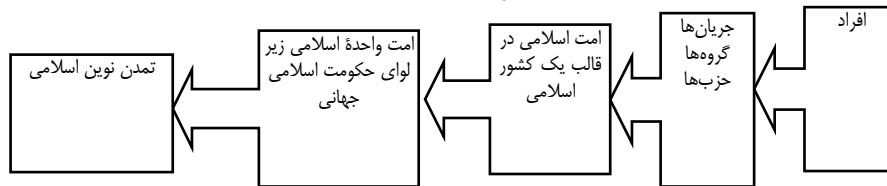
بازدارندگی خود، قدرت دفاعی و نظامی‌شان را در راستای مقابله با نظام سلطه تقویت کرده‌اند. در واقع، با توجه به تحریم‌ها و محدودیت‌های موجود برای محور مقاومت، این محور به‌سوی خودکفایی پیش رفته و در این راستا، تلاش کرده است به‌منظور دفاع و بازدارندگی، به تقویت تسلیحات خود، به‌ویژه در حوزه سامانه‌های دفاعی، پهپادی، موشکی، و قایق‌های تندرو بپردازد. این خودکفایی به‌معنای محروم کردن خود از برخورداری از قابلیت‌های تسلیحاتی خارجی نیست، بلکه در صورت امکان، از خرید تسلیحات لازم از خارج استقبال می‌کند. این محور از ابزارهای دفاعی متقارن و نامتقارن برای دفاع از خود بهره می‌گیرد. از آنجاکه جریان سازش به‌سبب حمایت‌های آمریکا و برخی کشورهای اروپایی از قابلیت‌های نظامی پیشرفته‌تری برخوردار است، جریان مقاومت در کنار توجه به ضرورت دستیابی به سلاح‌های پیشرفته متعارف، راهبرد رویارویی نامتقارن در بعد نظامی را نیز در دستور کار خود قرار داده است. در این راهبرد، تکیه بر قابلیت‌های موشکی، بسیار برجسته است و به‌همین سبب، افزون‌بر برخورداری ایران از موشک‌های پیشرفته، تلاش شده است که عناصر دیگر محور مقاومت (مانند حزب‌الله لبنان، حماس، و انصارالله) نیز به قابلیت‌های موشکی، هرچند در مقیاسی کوچک‌تر، دست پیدا کنند. تکیه بر این سلاح‌ها، سبب به‌چالش کشیدن جریان سازش و پشتیبانان بین‌المللی آن شده است.

ج) لایه قدرت هوشمند: محور مقاومت تلاش می‌کند برای تحقق اهداف موردنظر خود، به‌صورت هم‌زمان، آمیزه‌ای از قدرت‌های نرم و سخت را در عرصه‌های ملی-منطقه‌ای به کار گیرد؛ از این‌رو، نه تنها درصد تقویت قدرت سخت دفاعی خود، بلکه در پی تقویت و گسترش قدرت نرم و گفتگمانی نیز هست؛ برای نمونه، حزب‌الله افزون‌بر اینکه از تمام قدرت نرم خود برای گسترش گفتگمان مقاومت در عرصه‌های گوناگون و در سطوح مختلف ملی و فراملی استفاده می‌کند، چنانچه این گفتگمان در خطر باشد، از ابزارهای گوناگون، از جمله ابزار دفاعی-نظامی، سیاسی، و... نیز برای دفاع از آن بهره می‌گیرد. همچنین، می‌توان به مأموریت‌های فراملی حزب‌الله در سوریه که دارای ابعاد گوناگونی مانند ترویج گفتگمان، کمک نظامی، بشردوستانه، مالی، و سیاسی است نیز اشاره کرد؛ بنابراین، به‌طور کلی، محور مقاومت، برای پیشبرد اهداف و دفاع از خود در راستای مأموریت‌های ملی و فراملی، با بهره‌گیری از قدرت هوشمند به برخی از کشورها، سلاح، نیرو، کمک مالی، فناوری یا کمک مستشاری ارائه می‌دهد و از ماهیت گفتگمانی این محور، دفاع و آن را ترویج می‌کند.

بنابراین، بخشی از ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، متأثر از روایت خاص از دین اسلام و انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ است که آشکارا در قانون اساسی و بیانات مقامات و مسئولان این کشور، برخی

از موارد نشان‌دهنده این بعد، آمده است. در حال حاضر می‌توان جمهوری اسلامی ایران و سپاه قدس، فلسطین، حزب‌الله، حشدالشعبی، سوریه، عراق، و انصارالله را از جمله مهم‌ترین مصادیق این محور در منطقه خاورمیانه به‌شمار آورد. مفهوم مقاومت در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز نشان‌دهنده این است که ایران و سیاست‌های منطقه‌ای آن، مانند نقشه و چراغ راهی برای رسیدن به امت واحده اسلامی، حکومت اسلامی، و سرانجام، تمدن نوین اسلامی است. در ادامه تلاش شده است ایده محور مقاومت در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای تشریح شود.

شکل شماره (۲). ایده محور مقاومت در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای



بر اساس نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان به‌طور کلی مدعی شد که افرادی که راهبرد مقاومت را برمی‌گزینند، دارای یک‌سری اصول، ارزش‌ها، باورها، و ویژگی‌های خاص هستند. در مرحله بعد، این افراد در قالب جریان‌ها، احزاب، و گروه‌هایی گرد هم جمع می‌شوند که هدف نهایی این تشکل‌ها، مقاومت در مقابل نظام سلطه است. این افراد و جریان‌ها با تفکرات خاص خود در یک تشکل بزرگ‌تر، به یک جامعه یا امت اسلامی مقاوم در قالب یک کشور شکل می‌دهند. در مرحله بعد، زمانی که مسلمانان از جوامع گوناگون با افکاری برآمده از اصول و ارزش‌های اسلامی واحد، مانند مقاومت، به خودشناسی و آگاهی برسند، به امت واحده اسلامی، زیر لوای نظام اسلامی شکل می‌دهند. سرانجام، چشم‌انداز نهایی این مسیر، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد که آنچه این محور را در امتداد هم نگه می‌دارد، «مقاومت» در مقام عمل و باور است. در ادامه به ترتیب، نگاه رهبران عربستان سعودی و سپس، ترکیه، به محور مقاومت، بررسی شده است.

۳. بررسی مقایسه‌ای نوع نگاه رهبران عربستان سعودی و ترکیه به محور مقاومت

در این بخش، در راستای بررسی نوع نگاه عربستان و ترکیه به عناصر سازنده محور مقاومت، به ترتیب، نوع نگاه عربستان به جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله، حکومت کنونی سوریه، حشدالشعبی، و انصارالله

۱. در این مقاله، سخنانی از رهبران دو کشور ترکیه و عربستان سعودی درباره جمهوری اسلامی ایران و عناصر سازنده محور مقاومت مطرح شده است که هدف از بیان آن‌ها، تنها تشریح موضوع مقاله و نه تأیید این سخنان از سوی نویسندگان مقاله است.

واکاوی شده است. تبیین این مواضع، مبتنی بر کدهایی است که از مطالعه سخنان رهبران عربستان سعودی به دست آمده است.

۳-۱. نوع نگاه عربستان به جمهوری اسلامی ایران

عربستان، ایران را یکی از مهم‌ترین رقبای منطقه‌ای خود در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به‌شمار می‌آورد. در حال حاضر نیز رقابت میان عربستان و ایران به دلیل ائتلاف‌های ضدایرانی عربستان، نزدیک شدن عربستان به اسرائیل برای اقدام علیه فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران، و سیاست‌های منطقه‌ای این کشور در برابر توافق برجام و حمایت از سیاست فشار بیشینه آمریکا، افزایش یافته است. نقش و تأثیرگذاری ایران بر بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه، عراق و یمن، زمینه افزایش قدرت منطقه‌ای ایران و شیعیان در منطقه را فراهم کرده است. مورد یادشده، زمینه تقابل ایدئولوژیکی میان دو کشور را فراهم کرده است. رهبران سعودی در همه سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها، و فعالیت‌های سازمان‌های منطقه‌ای و دیدارهای دوجانبه با رهبران کشورهای منطقه و فرامنطقه، کنشگری منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

عربستان، ایران را دارای ایدئولوژی افراطی می‌داند که در پی صدور آن به جهان است و ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران را زمینه‌ساز ایجاد تروریسم در جهان به‌شمار می‌آورد؛ به‌عنوان مثال، ملک سلمان، پادشاه عربستان، در سخنان خود در جمع رهبران چهل کشور مسلمان که در زمان حضور دونالد ترامپ در عربستان، به ریاض دعوت شده بودند، مدعی شد: «مسئولیت ما در مقابل خدا، مردمان و کل جهان این است که با اتحاد خود، با نیروهای شیطانی و افراط‌گرایی مقابله کنیم. ایران، افراط‌گرایی اسلامی را به جهان صادر می‌کند.... ایران از سال ۱۹۷۹، به طلایه‌دار تروریسم جهانی تبدیل شده است» (BBC Farsi, May 20, 2017). همچنین، محمدبن سلمان، ولیعهد و وزیر دفاع عربستان سعودی، در مه ۲۰۱۷ گفت: «ما چطور می‌توانیم با حکومتی مذاکره کنیم که دارای ایدئولوژی افراطی و عمیقاً در پی تسلط بر جهان اسلام و گسترش تشیع است» (The Guardian, 2 May 2017).

ملک سلمان در اظهارنظر دیگری در مه ۲۰۱۹، در نشست اضطراری شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در مکه، گفت: «ایران، خطری برای امنیت جهانی است. از جامعه جهانی می‌خواهم تا به وظیفه خود در برابر تهدیدهای ایران برای امنیت بین‌المللی عمل کند و مانع دخالت این کشور در امور کشورهای دیگر شود» (BBC Farsi, May 31, 2019). بن سلمان نیز در آوریل ۲۰۱۸ ادعا کرد: «اسلام، دین صلح است و مثلث شر که از ایران، اخوان‌المسلمین، و گروه‌های تروریستی تشکیل شده است، برای



تحقق اهدافشان، چهره اسلام را خراب کرده‌اند.... ایران، خواستار نشر ولایت فقیه بنیاد گرای خود است و آن‌ها باور دارند که اندیشه‌هایشان، جهان را رهبری خواهد کرد. اخوان المسلمین می‌خواهند دموکراسی را برای نشر خلافت به کار گیرند. رهبران داعش و القاعده از اعضای اخوان المسلمین بودند» (Dubai-Al Arabiya. Farsi Net, April 3, 2018).

۲-۳. نوع نگاه ترکیه به جمهوری اسلامی ایران

اردوغان در برهه‌هایی از تاریخ زمامداری‌اش و با توجه به تعارضاتی که میان منافع ایران و ترکیه پیش آمده بود، پیدایش افراط‌گرایی دینی و از بین رفتن ثبات و امنیت در منطقه را ناشی از سیاست‌های ایدئولوژیکی و به‌زعم وی شیعه‌گری، توسعه‌طلبی، ملی‌گرایی و گسترش امپراتوری پارسی ایران دانسته است. برای نمونه اردوغان در آوریل ۲۰۱۷ گفت: «ما به تأسف است که ایران سیاست توسعه‌طلبی و ملی‌گرایی فارسی را در دستور کار قرار داده است.... ایران محاسبات خود را در سوریه، عراق، یمن و لبنان دارد و این کشور می‌خواهد بانفوذ در این کشورها نیروی فارسی در منطقه تشکیل دهد و این کار معنی‌دار است و ما باید در این مورد خوب فکر کنیم. ما آرزو می‌کنیم که ایران در سیاست خود تجدید نظر کند و نمی‌خواهیم که این کشور از جهان اسلام مورد حمله قرار گیرد بلکه ما که همه مسلمانیم و اسلام ما را متحد می‌کند باید باهم همبستگی کرده و به تعصب مذهبی راه ندهیم و جهان اسلام به وحدت نیاز دارد» (Turkish Radio and Television Corporation (trt), 20 April, 2017).

همچنین مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه، در نشست امنیتی مونیخ در فوریه ۲۰۱۷، مدعی شد: «تلاش ایران این است که عراق و سوریه را به دو کشور شیعه تبدیل کند که بسیار خطرناک است. ترکیه مخالف هر نوع تقسیم‌بندی دینی یا طایفه‌ای است. ایران متأسفانه به اقدامات نفرت‌آمیز طایفه‌ای ادامه می‌دهد و به فرصت صلح در خاورمیانه ضربه می‌زند. ایران با دخالت در یمن، بحرین و عربستان سعودی، ثبات منطقه را برهم می‌زند. ایران تلاش می‌کند سوریه و عراق را به دو کشور شیعی تبدیل کند» (BBC (Farsi, march 1, 2017).

در ژانویه ۲۰۱۶، رجب طیب اردوغان در خصوص اقدامات ایران در سوریه گفت: «از یکسو روسیه با وارد شدن به یک مجرای خطرناک، خود، کشورهای منطقه و تمام دنیا را دچار درد سر کرده است و از سوی دیگر ایران نیز از حوادث کشورهای منطقه مانند سوریه، عراق و یمن به‌عنوان بهانه‌ای برای گسترش حوزه نفوذ خود استفاده می‌کند» (Ankara/Anatolia News Agency, January 12, 2016). این بی‌اعتمادی سبب در پیش گرفتن اقدامات یک‌جانبه نظامی مانند عملیات «چشمه صلح» از سوی ترکیه در سوریه شده

است. کاربرد جملاتی مانند آنچه آمد نشان‌دهنده عدم اعتماد و اطمینان اردوغان نسبت به سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه و بویژه در سوریه است.

ترکیه، ایران را یکی از رقبای منطقه‌ای خود می‌داند و به دنبال کاهش نفوذ آن در منطقه است. ترکیه با آن جنبه از سیاست خارجی ایران در منطقه که آن را در راستای سیاست ایدئولوژیکی این کشور می‌داند، مخالف بوده و آن را سبب بی‌ثباتی در منطقه و رقیبی برای سیاست ایدئولوژیکی اخوانی خود می‌داند. در این راستا، این کشور سیاست‌های ایران در سوریه، عراق، یمن و لبنان و اقدامات گروه‌هایی مانند حشدالشعبی، حزب‌الله و انصارالله را در راستای گسترش نفوذ ایران در منطقه می‌داند. بنابراین حتی اگر ایران، سیاست‌ها و اقدام‌های خود را در این کشورها در راستای مقابله با رژیم صهیونیستی نیز توجیه کند، ترکیه آن را صرفاً در راستای گسترش نفوذ ایران در منطقه، شیعه‌گری، توسعه‌طلبی و گسترش امپراتوری پاریسی ایران تعبیر و برداشت می‌کند. در این خط تحلیلی، آنجایی که منافع ایران و ترکیه در سطح منطقه‌ای همسو نباشد (مانند آنچه در سوریه می‌گذرد) نگاه ترکیه و اردوغان به ایران از الگوی رقابت و همکاری به شکل موردی به سمت غلبه رقابت بر همکاری تغییر خواهد کرد.

۳-۳. نوع نگاه عربستان به حزب‌الله

پیش‌ازاین به بخشی از ادعاهای ملک سلمان در مه ۲۰۱۷ اشاره شد که براساس آن، حزب‌الله لبنان را گروهی تروریستی خوانده و در ردیف داعش و القاعده قرار داده است. عادل‌الجبر در تاریخ ۱۶ نوامبر ۲۰۱۷ مدعی شد: «حزب‌الله اصل مشکل در لبنان است. نظام حاکم بر لبنان را به گروگان گرفته و به دخالت‌هایش در امور شماری از کشورهای عربی ادامه می‌دهد. این وضعیت، اوضاع لبنان را بحرانی می‌کند. این گروه شبه‌نظامی به‌اعتراف دبیرکل حزب‌الله، سلاحی در دست ایران است. حزب‌الله، ثبات منطقه و لبنان را به گونه‌ای همسان تهدید می‌کند. باید راهکارهایی برای تعامل با حزب‌الله یافت و گام‌هایی در این زمینه برداشته شده است. ایران از حزب‌الله برای گسترش نفوذ خود در منطقه و تهدید ثبات آن استفاده می‌کند. ادامه سیاست‌های حزب‌الله، لبنان را در معرض تهدیدهای بزرگی قرار می‌دهد» ("Dubai.AI-Arabiya.net Farsi", November 16, 2017; "Dubai.AI-Arabiya.Net Farsi", November 17, 2017).

براساس آنچه مطرح شد، مقامات سعودی مدعی شده‌اند که حزب‌الله، یک گروه شیعی و تروریستی موردحمایت ایران است که فراقانونی عمل کرده و سبب گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در لبنان و منطقه خاورمیانه می‌شود. به نظر آن‌ها، حزب‌الله یکی از ابزارهای ایران برای گسترش نفوذش در منطقه است؛ بنابراین، این گروه را به‌عنوان گروهی که در مقابل اسرائیل ایستادگی کرده و از حقوق فلسطینیان دفاع



می‌کند، به‌شمار نمی‌آورند، بلکه آن را گروهی می‌دانند که در کشورهای گوناگون، از جمله سوریه، دخالت کرده و سبب گسترش نفوذ ایران شیعه و ناامنی در منطقه می‌شود. در نتیجه همین برداشت، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از سال ۲۰۱۳، به‌منظور مقابله با مداخله نظامی حزب‌الله در سوریه، تحریم‌هایی را علیه این گروه وضع کردند. در ۲ مارس ۲۰۱۶ نیز اعضای شورای همکاری خلیج فارس، این گروه را در ردیف سازمان‌های تروریستی طبقه‌بندی کردند. همچنین، بر پایه گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا، در مه ۲۰۱۸، ایالات متحده به‌همراه کشورهای عرب خلیج فارس عضو «مرکز مقابله با تأمین مالی تروریسم»، (عربستان، کویت، عمان، بحرین، قطر، و امارات متحده عربی)، رهبران ارشد حزب‌الله (حسن نصرالله، نعیم قاسم، محمد یزبک، حسین الخلیل، و ابراهیم الامین السید) را تحریم کردند (DW Persian, 16 May 2018). در آخرین مورد نیز، دولت آلمان در ۲۹ آوریل ۲۰۲۰ حزب‌الله را به‌عنوان یک گروه تروریستی، در فهرست تحریم‌های خود قرارداد (BERLIN (Reuters), APRIL 30, 2020).

رهبران عربستان سعودی به‌دلیل برداشت نادرست از واقعیت، محور مقاومت را نه مجموعه‌ای در راستای مقابله با اسرائیل، بلکه تنها در راستای گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران شیعی به‌شمار می‌آورند؛ از این رو، ضدیت عربستان با حزب‌الله را نیز می‌توان تلاشی برای تحقق اهداف برآمده از ماهیت تجدیدنظرطلبانه و ایدئولوژیک عربستان در عرصه سیاست خارجی و در قبال ایران دانست.

۳-۴. نوع نگاه ترکیه به حزب‌الله

اردوغان، حزب‌الله را نیز مانند حشدالشعبی و انصارالله، گروهی تروریستی به‌شمار می‌آورد؛ برای مثال، وی در فوریه ۲۰۱۷ گفته بود: «سازمان تروریستی حزب‌الله نیز در سوریه حضور دارد و ما اطلاعاتی داریم و اگر ایران می‌گوید که با کشتارها در سوریه مخالف است و در آن‌ها دخالتی ندارد، باید با ما همکاری کند تا دوشادوش یکدیگر، خونریزی‌ها در سوریه را متوقف کنیم» (Dubai - Al Arabiya. Farsi Net, February 17, 2017). مهم‌ترین دلیل نوع نگاه اردوغان به حزب‌الله را بایستی در شبه‌نظامی شیعه بودن این گروه و تحت رهبری ایران بودن آن‌ها جست‌وجو کرد. در حالی که اردوغان در راستای حمایت از روایت خاص اسلامی خود، یعنی اسلام اخوانی، از حماس حمایت کرده و حزب‌الله لبنان را رقیبی برای حماس به‌شمار می‌آورد (برای اطلاع از سایر مواضع ترکیه نک: دویچه‌وله فارسی، ۲۷ مه ۲۰۱۳). ترکیه افزون‌بر انتقاد کلامی، در عمل نیز اقداماتی را علیه حزب‌الله انجام داده است؛ برای مثال، جنگنده‌های ارتش ترکیه در فوریه ۲۰۱۸ و در واکنش به حمله به محل استقرار نیروهای ارتش ترکیه و مرگ ۳۴ نظامی این کشور در ادلب، به یک مرکز تجمع نیروهای مقاومت در استان ادلب حمله کردند و چند تن از نیروهای مقاومت



را به شهادت رساندند. *فخرالدین آلتون*، رئیس مرکز ارتباطات نهاد ریاست جمهوری ترکیه در فوریه ۲۰۲۰، با انتشار چند پیام توئیتری دربارهٔ حملهٔ هوایی اسد به محل استقرار نیروهای ترکیه در ادلب گفت: «نیروهای هوایی و زمینی ما، تمام اهداف اسد را به شدت بمباران می کنند... رژیم قاتل اسد و حامیان او، تاوان این خیانت را به شدیدترین وجه خواهند داد» (Ankara/Anatolia News Agency, February 28, 2020).

در واقع، اردوغان سه گروه حشدالشعبی، انصارالله، و حزب الله را به عنوان گروه های شبه نظامی شیعه، نه از دیدگاه مقابله آن ها با تروریسم یا اسرائیل، بلکه از دیدگاه گسترش فرقه گرایی، شیعه گرایی، و بی ثباتی و ناامنی در منطقه و به ویژه به دلیل هدایت شدن آن ها از سوی ایران، در نظر می گیرد؛ از این رو، خواهان تضعیف یا از بین رفتن آن ها در راستای کاهش نفوذ ایران شیعی در منطقه است. تحقق این اهداف، نخست در راستای تلاش ترکیه برای تضعیف رقیب منطقه ای خود، یعنی ایران، به عنوان هدفی برآمده از ماهیت تجدیدنظرطلبانهٔ سیاست خارجی؛ دوم، به عنوان تلاشی برای حفظ توازن قوا در برابر ایران و جلوگیری از تغییر موازنهٔ قدرت به نفع ایران در منطقه، به عنوان هدفی برآمده از ماهیت محافظه کارانهٔ سیاست خارجی ترکیه، و سوم، تلاشی برای جلوگیری از تقویت روایت های رقیب از اسلام، به عنوان هدفی برآمده از ماهیت ایدئولوژیک سیاست خارجی ترکیه است.

۳-۵. نوع نگاه عربستان به حکومت کنونی سوریه

ملک سلمان در دسامبر ۲۰۱۵ دربارهٔ موضع کلی عربستان در برابر سوریه گفت: «موضع پادشاهی سعودی از همان آغاز بحران، مشخص بوده و تلاش می کند تا سوریه، کشوری متحد برای همهٔ اقلیت های این کشور بماند. سعودی به ایجاد راه حل سیاسی برای برون رفت از بحران سوریه پایبند است که منجر به تشکیل حکومتی انتقالی، متشکل از مخالفان معتدل که ضامن وحدت سوریه باشد. گروه هایی که تنها به دلیل در قدرت بودن اسد، زمینه ای برای وجود خود نیافته اند. پادشاهی سعودی، بر اساس اصل پابندی به برقراری امنیت، ثبات، و عدالت در سوریه و به منظور ایجاد راه حل سیاسی برپایهٔ اصول ژنوا - که به خواست خدا، ضامن وحدت و حاکمیت سوریه باشد - میزبان کنفرانس گروه های مخالف سوری در ریاض بود» (Dubai-Al-Arabiya.net. Farsi, December 23, 2015).

عادل الجبیر، وزیر امور خارجهٔ وقت عربستان سعودی نیز در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۶، در مقاله ای در روزنامهٔ «والاستریت ژورنال» نوشت: «از زمان آغاز ناآرامی ها در سوریه، بیش از ۵۰۰ هزار نفر در این کشور به دست نیروهای دولت بشار اسد کشته شده اند و ایران با فرستادن نیرو و پشتیبانی همه جانبه از حکومت سوریه به بشار اسد کمک می کند. مقامات ایرانی، بارها آشکارا اعلام کرده اند که اگر پشتیبانی آن ها نبود،

حکومت بشار اسد در سوریه سقوط کرده بود» (Dubai-Al-Arabiya.net. Farsi, September 19, 2016).

برپایه سخنان یادشده و کدهای به دست آمده، مقامات سعودی (طبق ادعا)، بشار اسد و حکومت وی را تروریست و قاتل می‌دانند که باید از صحنه سیاسی سوریه کنار برود؛ مسئله‌ای که با واقعیت‌های میدانی سوریه، در تناقض است. واقعیت این است که گروه‌های تروریستی حامی عربستان و هم‌پیمانانش در منطقه خلیج فارس، با فرستادن کمک و تجهیزات به سوریه، در پی حذف یکی از مخالفان عرب خود بوده‌اند و در نتیجه، زمینه قتل و کشتار مردم این کشور را فراهم کرده‌اند. دلیل اصلی این خواسته عربستان، یعنی حذف اسد، همراهی بشار اسد با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه است؛ حمایتی که ایران، با توجه به دعوت مستقیم بشار اسد از تهران برای حضور و کمک به تثبیت تمامیت سرزمینی سوریه، منکر آن نبوده است؛ اما عربستان، به زعم خود، با فشارهای مستقیم و لابی‌های پرهزینه، در پی این است که یکی از مهره‌های محور مقاومت در منطقه را حذف کند.

در ادامه و پس از موفقیت ایران و روسیه در تثبیت جایگاه اسد و حفظ تمامیت سرزمینی سوریه، موضع عربستان در برابر اسد، کمی متعادل‌تر شد؛ برای نمونه، بن‌سلمان در مارس ۲۰۱۸ گفت: «بشار می‌ماند؛ اما من معتقدم، اینکه ایرانیان هر کاری که بخواهند انجام دهند، به نفع بشار نیست. امیدوارم رهبر سوریه، عروسی در دستان ایرانیان نباشد» (Iran Sputnik, March 31, 2018). احتمالاً این موضع عربستان، موضعی موقتی و تا زمان برگزاری انتخابات دوباره در سوریه و پیشروی روند صلح در این کشور از طریق راه‌حل سیاسی باشد؛ زیرا، رهبران عربستان، به هیچ وجه سوریه متحد جمهوری اسلامی ایران در منطقه را که سبب گسترش نفوذ ایران در منطقه شود، بر نمی‌تابند.

بشار اسد و دولت علوی وی، یکی از متحدان ایران در منطقه به شمار می‌آید که در کنار حزب الله، ائتلافی از شیعیان را تشکیل داده‌اند؛ از این رو، کنار زدن بشار اسد از قدرت از سوی عربستان، می‌تواند چند هدف سیاست خارجی این کشور را در خاورمیانه محقق کند؛ اهدافی مانند تضعیف رقیب منطقه‌ای خود، یعنی ایران، و تضعیف روایت شیعی در منطقه، که عربستان امیدوار است که با تحقق آن‌ها، به اهداف بلندپروازانه خود، یعنی رسیدن به جایگاه برتر در سطح منطقه، دست یابد. تعقیب این اهداف از سوی عربستان سعودی را می‌توان در راستای ماهیت تجدیدنظرطلبانه با اهداف محدود (یعنی تلاش برای تغییر وضع موجود و ایجاد نظم مطلوب، به گونه‌ای که جایگاه عربستان در نظم جدید ارتقا یابد) و ماهیت ایدئولوژیک یا تجدیدنظرطلبانه با اهداف نامحدود سیاست خارجی (یعنی حاکم کردن ارزش‌ها و



هنجارهای ایدئولوژیک موردنظر خود در منطقه به منظور دگرگونی در نظام منطقه‌ای) آن تعبیر کرد.

۳-۶. نوع نگاه ترکیه به حکومت کنونی سوریه

با وجود گذشت سال‌های طولانی، مسائلی مانند فعالیت سیاسی کردها در سازمان پ.ک.ک و چگونگی تقسیم آب فرات، سبب شده بود که روابط شکننده‌ای میان سوریه و ترکیه ایجاد شود؛ اما با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، این کشور تلاش کرد با درپیش گرفتن سیاست «به‌صفر رساندن مشکلات با کشورهای همسایه»، روابط با سوریه را بهبود بخشد؛ برای مثال، در نتیجه تشکیل و فعالیت موج جدید شرکت‌های خصوصی در ترکیه، دوره جدیدی از روابط اقتصادی و سیاسی ترکیه با سوریه آغاز شد؛ اما با آغاز ناآرامی‌ها در سوریه، سیاست ترکیه در برابر این کشور تغییر کرد. در این میان پیشبرد تحولات سوریه که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، یکی از موضوعاتی بود که زمینه رقابت بیشتر میان ترکیه و ایران را فراهم کرد.

اردوغان، اسد را با ویژگی‌هایی همانند کودک کش، خونریز، تروریست، و رهبر نامشروع معرفی می‌کند؛ برای نمونه، وی در مه ۲۰۱۸، در مصاحبه‌ای تلویزیونی با شبکه بی‌بی‌سی، با وارد کردن اتهاماتی به بشار اسد، مبنی بر استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ، مدعی شد: «بی‌تردید ما خواهان باقی ماندن بشار اسد در قدرت نیستیم. دنیا باید بداند که اسد هر وقت دلش می‌خواهد، از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کند... ما قطعاً نمی‌خواهیم که اسد بماند؛ اما راه‌حل سیاسی را ترجیح می‌دهیم. هدف، پیدا کردن راه‌حلی برای مردم سوریه است. حکومتی که در حال حاضر بر مسند قدرت است، ذاتاً حکومتی خونریز است... سوریه در حال حاضر، در دست یک حکومت تروریست است و مردم سوریه باید از این وضع خلاص شوند» (BBC Farsi, May 2018). ترکیه همواره در طول جنگ داخلی سوریه، با باقی ماندن اسد در قدرت مخالف بوده و رفتن بشار اسد را بخشی از راهکار حل و فصل بحران سوریه می‌دانسته است.

به نظر مقامات ترکیه، بشار اسد، فاقد مشروعیت است و نمی‌تواند در آینده سیاسی سوریه حضور داشته باشد. از دیدگاه ترکیه، حضور بشار اسد، سبب تداوم بحران در سوریه می‌شود؛ بنابراین، دولت کنونی سوریه نیز نامشروع است و باید تلاش کرد تا زمینه تأسیس قدرت سیاسی جدید و مشروع در سوریه فراهم شود. همچنین، به نظر اردوغان، دولت کنونی سوریه، زیر نفوذ ایران است که باید جلو این امر گرفته شود. با این حال، دولت اردوغان بر این نظر است که چنانچه مردم سوریه در یک انتخابات دموکراتیک، بار دیگر بشار اسد را بر سر قدرت آورند، ترکیه (با اکراه) مخالفتی با ماندن اسد در قدرت نخواهد داشت؛ برای مثال، اوغلو در دسامبر ۲۰۱۸ گفت: «در صورت پیروزی بشار اسد در انتخابات دموکراتیک، ترکیه و



کشورهای دیگر به همکاری با وی فکر خواهند کرد» (Al-Alam-Turkey, February 15, 2017). با توجه به نقش و اهمیت اسد برای محور مقاومت و ایران، بایستی خواست اردوغان مبنی بر رفتن بشار اسد از قدرت را در راستای تضعیف ایران و محور مقاومت ارزیابی کرد؛ زیرا، وی سیاست‌های منطقه‌ای ایران در قالب محور مقاومت و حمایت از شیعیان منطقه را چالشی برای سیاست‌های ایدئولوژیک منطقه‌ای خود در قالب حمایت از اخوان المسلمین و حماس ارزیابی می‌کند. اردوغان در دسامبر ۲۰۱۵ در این باره گفت: «اگر ایران به دلایل فرقه‌گرایانه پشت اسد نایستاده بود، شاید امروز ما درباره موضوعی مثل سوریه حرف نمی‌زدیم» (DW Persian, December 27, 2015). این سخنان، نشان‌دهنده انتقاد اردوغان از سیاست ایران در سوریه است؛ با این حال، برای حل و فصل بحران سوریه با ایران و روسیه همکاری می‌کند؛ زیرا، خواهان تغییر وضع موجود در سوریه به نفع خود و به ضرر رقیب منطقه‌ای، یعنی ایران، است؛ بنابراین، ترکیه تمام تلاش خود را برای مقابله با ایران و تضعیف این رقیب منطقه‌ای انجام می‌دهد، حتی اگر بهای آن، دادن امتیازهای بیشتری به روسیه برای تعیین وضعیت سوریه باشد.

ترکیه برای تضعیف ایران شیعی، از اخوان المسلمین و جریان میانه‌رو سنی در سوریه حمایت می‌کند؛ بنابراین، تمایل ترکیه به حذف بشار اسد از قدرت را نیز می‌توان در راستای هدف تضعیف رقیب منطقه‌ای ترکیه، یعنی ایران و تضعیف روایت خاص ایران شیعی از اسلام در نظر گرفت. دستیابی به این اهداف می‌تواند سبب شود که مسیر ترکیه برای رسیدن به هدف تجدیدنظرطلبانه دیگرش، یعنی رسیدن به جایگاه برتر در سطح منطقه، هموار شود. می‌توان این اهداف ترکیه را نیز در راستای سیاست‌های دارای ماهیت تجدیدنظرطلبانه با اهداف محدود، یعنی ارتقای جایگاه خود در سطح منطقه و ماهیت ایدئولوژیک سیاست خارجی ترکیه، در نظر گرفت.

۳-۷. نوع نگاه عربستان به حشدالشعبی

عربستان، با نفوذ ایران در عراق مخالف بوده و حشدالشعبی را یکی از ابزارهایی می‌داند که سبب گسترش نفوذ ایران در عراق می‌شود؛ از این رو، مقامات عربستان ادعا می‌کنند که حشدالشعبی که گروهی شیعی و نزدیک به ایران است و در محور مقاومت قرار می‌گیرد، یک گروه فرقه‌گرا و تروریست است. سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه عربستان سعودی، در همایش «عرب، اسلام، و آمریکا» در حضور رهبران تعدادی از کشورهای اسلامی در مه ۲۰۱۷، مدعی شد: «حکومت ایران، حزب‌الله، حوثی‌ها، داعش، و القاعده، مانند یکدیگرند» (Euro News, 21 May 2017). به نظر می‌رسد، مقامات عربستان با توجه به نفوذ و جایگاه حشدالشعبی در عرصه سیاسی و امنیتی عراق، نزدیکی این گروه به ایران و حمایت آن‌ها از سیاست‌های





جمهوری اسلامی ایران در منطقه و همچنین (با توجه به مرزهای طولانی عربستان با عراق) نقش آفرینی این گروه در تأمین امنیت مرزهای میان عراق و عربستان و ترس رهبران سعودی از احتمال انجام عملیات مخفیانه از سوی این گروه به نفع ایران و علیه عربستان در مرزهای مشترک، خواهان کاهش نفوذ آن در عرصه داخلی عراق، به عنوان هدف حداقلی، و خواهان ملغی شدن آن از سوی مقامات عراقی، به عنوان هدف حداکثری، هستند.

درواقع، عربستان سعودی در راستای تضعیف و تحت فشار قرار دادن ایران، رقیب منطقه‌ای خود و حکومت شیعی عراق، نه تنها با فعالیت حشدالشعبی، بلکه با فعالیت حزب‌الله در عراق نیز مخالف است. همچنین، از آنجا که گروه حشدالشعبی، یک گروه شبه‌نظامی شیعی است، عربستان، به عنوان یک کشور مخالف روایت شیعی از اسلام، خواهان پایان دادن به فعالیت این گروه‌ها است. این اقدامات، برآمده از اهدافی است که از ماهیت تجدیدنظرطلبانه و ایدئولوژیک سیاست خارجی عربستان سعودی سرچشمه می‌گیرد.

۳-۸. نوع نگاه ترکیه به حشدالشعبی

با اینکه حشدالشعبی در عراق به رسمیت شناخته شده است، اما ترکیه آن را تنها گروهی تروریست می‌داند که در پی گسترش فرقه‌گرایی است. اردوغان بر این نظر است که این گروه نیز سبب افزایش ناامنی و بی‌ثباتی، نه تنها در عراق بلکه در منطقه، می‌شود؛ برای نمونه، اردوغان در آوریل ۲۰۱۷ مدعی شد: «مثلاً [ایران] در عراق از گروه حشدالشعبی پشتیبانی می‌کند... ایران، محاسبات خود را در سوریه، عراق، یمن، و لبنان دارد و این کشور می‌خواهد با نفوذ در این کشورها، نیروی فارسی در منطقه تشکیل دهد و این کار معنادار است و ما باید در این مورد خوب فکر کنیم. ما آرزو می‌کنیم که ایران در سیاست خود تجدیدنظر کند و نمی‌خواهیم که این کشور، مورد حمله جهان اسلام قرار گیرد؛ بلکه ما که همه مسلمانیم و اسلام ما را متحد می‌کند، باید با هم همبستگی کرده و به تعصب مذهبی راه ندهیم و جهان اسلام به وحدت نیاز دارد» (Al-Masri, Ahmed, 20 April 2017).

بنابراین، اردوغان، حشدالشعبی عراق را نیز، که به لحاظ ایدئولوژیکی نزدیک به ایران است و در محور مقاومت جای می‌گیرد، یک نیروی تروریستی می‌داند که باید با آن مقابله کند و با افزایش نقش داخلی و منطقه‌ای این گروه در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، و نظامی مخالف است. از جمله دلایل مخالفت اردوغان با این گروه، شبه‌نظامی و شیعه بودن آن، نقش پررنگ این گروه در تحولات امنیتی و سیاسی عراق، و ارتباط نزدیک آن‌ها با ایران است. همچنین، اردوغان این گروه را یکی از پایه‌های افزایش نفوذ ایران در عراق

می‌داند؛ از این رو، می‌توان گفت، در راستای تضعیف نیروی حشدالشعبی، کاهش نفوذ ایران در عراق، و افزایش نفوذ خود در این کشور بود که در صدد آموزش نیروهای حشدالوطنی برآمد.

با توجه به انتقادهای ترکیه از دولت عراق و نگاه از بالا به پایین به این دولت و انتقاد از آن به‌عنوان دولتی که زیر نفوذ ایران است و باید تغییر کند، مشخص است که دولت کنونی عراق، دولت مطلوب این کشور نیست و ترکیه در راستای تضعیف رقیب منطقه‌ای خود، یعنی ایران، خواهان تغییراتی در این دولت است که مطلوب ترکیه نیز باشد. همچنین، می‌توان مخالفت ترکیه با گروه حشدالشعبی، متشکل از شیعیان در عراق و در مقابل، ایجاد گروه‌هایی مانند حشدالوطنی با اکثریت سنی مذهب و حمایت ترکیه از اهل تسنن میانه‌رو یا اخوان المسلمین در این کشور را به‌عنوان اقداماتی برآمده از اهداف تجدیدنظرطلبانه ترکیه و اهداف ایدئولوژیک این کشور در نظر گرفت. ترکیه با انجام این اقدامات، خواهان تغییر در وضعیت کنونی دولت عراق، تضعیف روایت شیعی این کشور، و ترویج روایت خاص خود از اسلام در عراق است. این کشور با ایفای نقش فعال در عراق، هدف ارتقای جایگاه خود در نظم منطقه‌ای خاورمیانه را دنبال می‌کند.

۳-۹. نوع نگاه عربستان به انصارالله

همسانی اصول و مبانی فکری و عملی انصارالله و جمهوری اسلامی ایران را می‌توان از سخنان مقامات انصارالله نیز استنباط کرد؛ برای مثال، محمد عبدالسلام، سخنگوی جنبش انصارالله یمن، در دیدار هیئتی از جنبش انصارالله یمن با آیت‌الله خامنه‌ای در مرداد ۱۳۹۸، گفت: «ما ولایت شما را امتداد خط پیامبر اسلام (ص) و ولایت امیرالمؤمنین (ع) می‌دانیم و مواضع حیدری و علوی شما در حمایت از مردم مظلوم یمن را ادامه خط امام خمینی (رحمة الله) و مایه برکت و بسیار روحیه بخش می‌دانیم. مواضع رهبر جمهوری اسلامی در حمایت از مظلومان جهان، به‌ویژه مردم یمن، یک موضع دینی و اعتقادی است. مردم یمن، که در شرایط بسیار سختی به سر می‌برند، با دست خالی، اما با ایمان و ثبات قدم، در مقابل تجاوز هفده دولت، ایستاده‌اند و به شما قول می‌دهیم که ملت یمن، منسجم و همچون ید واحد به استقامت و ایستادگی خود در مقابل تجاوز ظلم، تا پیروزی کامل، ادامه خواهند داد» (Leader.ir: The Office of the Supreme Leader, August 22, 2018).

ملک سلمان در مه ۲۰۱۷ ادعا کرد: «مردم ما و کل جهان باید برای مبارزه با نیروهای شر و تندرو، از هر نوعی که باشند، مقابله کنند. حکومت ایران، به‌مثابه نوک نیزه تروریسم جهانی است. حکومت ایران، حزب الله، حوثی‌ها، داعش، و القاعده، مانند یکدیگرند. عربستان سعودی، هیچ‌گونه تأمین مالی تروریسم را تحمل نخواهد کرد» (EuroNews, 21 May 2017). محمدبن سلمان همچنین در اکتبر ۲۰۱۷ گفت:



«جنگ یمن، ادامه خواهد یافت. ما اجازه نخواهیم داد که حزب الله لبنان دیگری در نزدیک مرزهایمان به وجود آید. اگر حوثی‌ها در یمن به حزب الله دیگری تبدیل شوند، خطرشان به مراتب از حزب الله بیشتر خواهد بود» (Dubai-Al-Arabiya.net Farsi, October 26, 2017).

مقامات سعودی مدعی شده‌اند که گروه انصارالله، تروریست، کودتاگر، غارت‌گر و... است و همچنین، آن را حزب اللهی دیگر می‌دانند. رهبران سعودی که یمن را حیاط خلوت خود در منطقه به‌شمار می‌آورند، از قدرت‌گیری انصارالله شیعه‌مذهب در مرزهای جنوبی کشور خود واهمه دارند؛ زیرا، درک تهدید آن‌ها از این گروه، درک و برداشتی مشابه درک تهدید از حزب الله است. به‌ویژه اینکه این گروه شیعه‌مذهب، مورد حمایت ایران است و با تهران، مراوداتی علنی دارد. افزایش قدرت و نفوذ انصارالله در یمن، به‌عنوان همسایه جنوبی عربستان، به موازات افزایش قدرت و نفوذ حشدالشعبی در عراق، به‌عنوان همسایه شمالی عربستان، احساس نگرانی، تهدید، ترس، و ناامنی را برای عربستان ایجاد می‌کند؛ زیرا، هر دو گروه، وابسته به ایران بوده و نفوذ ایران را در پیرامون عربستان افزایش می‌دهند و همچنین، این گروه نیز در محور مقاومت جای می‌گیرد.

کمک و حمایت ایران از انصارالله و حشدالشعبی، سبب نفوذ ایران در مناطق پیرامون نزدیک عربستان خواهد شد، قدرت ایران را در منطقه افزایش و موازنه قدرت را به نفع ایران، تغییر خواهد داد؛ از این رو، عربستان آن‌ها را به‌عنوان گروه‌هایی در نظر می‌گیرد که نباید در یمن به حکومت دست یابند. همچنین، ایران را به‌عنوان کشوری که به انصارالله در یمن کمک می‌کند و سلاح، موشک، و خدمات نظامی و مستشاری در اختیار این گروه‌ها قرار می‌دهد، در نظر می‌گیرد و خواهان مقابله جهانی با این کشور است؛ از این رو، عربستان سعودی در حال اقدام نظامی علیه چالشگران دولت منصور هادی در یمن است. تمایل عربستان (که انصارالله را تروریست، غارتگر، کودتاگر، و... به‌شمار می‌آورد) به اینکه دولتی از سوی انصارالله در یمن کار نیاید و انصارالله در دولت آینده یمن نقشی نداشته باشد را نیز می‌توان در راستای هدف تضعیف ایران، تضعیف روایت شیعی از اسلام، و در راستای ماهیت تجدیدنظرطلبانه و ایدئولوژیک سیاست خارجی این کشور در نظر گرفت. همچنین، موضع عربستان در برابر انصارالله و این موضوع که تنها دولت مشروع در یمن را منصور هادی می‌داند، نشان‌دهنده دنبال کردن هدف «تلاش برای حفظ نظام‌های سیاسی دوست» است که هدفی برآمده از ماهیت محافظه‌کارانه سیاست خارجی این کشور است؛ هدفی که عربستان برای تحقق آن با ایفای نقش فعال در منطقه، به اتحادسازی و ائتلاف‌سازی بهره‌بری خود روی آورد.



۳-۱۰. نوع نگاه ترکیه به انصارالله

نگاه اردوغان به انصارالله نیز همانند نگاه او به حشدالشعبی در عراق است. وی در مارس ۲۰۱۵ درباره انصارالله گفت: «ترکیه از عملیات نظامی «طوفان کوبنده» در یمن حمایت می‌کند. با در نظر داشتن نحوه پیشروی این عملیات نظامی، می‌توانیم از آن حمایت لجستیک کنیم. شیعیان حوثی باید به همراه القاعده و گروه‌های تروریستی دیگر، یمن را ترک کنند. ایران و گروه‌های تروریست باید از یمن خارج شوند. ایران در راستای افزایش نفوذ و قدرت خود در عراق تلاش می‌کند. تهران در نظر دارد با بیرون راندن داعش از منطقه، جای خالی آن را خودش پر کند» (Turkish Radio and Television Corporation (trt), March 27, 2015). اردوغان در دسامبر ۲۰۱۶ نیز گفت: «ترکیه «دولت نجات ملی» که توسط حوثی‌ها و طرفداران علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور برکنار شده یمن تشکیل شده است را به رسمیت نمی‌شناسد. این تشکیلات غیرمشروع، تأثیری بر تلاش‌هایی که با میانجیگری سازمان ملل متحد برای یافتن راه‌حل سیاسی برای بحران یمن انجام شده است، نخواهد داشت. برای برقراری دوباره نظم عمومی، اقتدار دولت مشروع (منصور هادی) باید در تمام کشور، حاکم، و تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای حمایت از آن، متمرکز شود» (Ankara/Anatolia News Agency, December 01, 2016).

برپایه سخنان مطرح شده و کدهای استخراج شده، اردوغان، انصارالله یمن را نیز گروهی تروریستی می‌داند و دولت نجات ملی شکل گرفته از سوی آن‌ها را نیز نامشروع می‌خواند. یکی از دلایل اصلی مخالفت ترکیه با این گروه، شبه‌نظامی شیعه بودن آن‌ها و حمایتی است که ایران از آن‌ها به عمل می‌آورد. به نظر رهبران ترکیه، حمایت‌های ایران از انصارالله و پیروزی احتمالی آن‌ها در یمن، میزان نفوذ ایران در منطقه را افزایش می‌دهد و موجب قدرت‌گیری بیشتر شیعیان در منطقه می‌شود. این مسئله سبب به هم خوردن توازن قدرت در منطقه به نفع ایران و به ضرر ترکیه خواهد شد؛ از این رو، از تضعیف این گروه حمایت می‌کند؛ بنابراین، یکی از دلایل اعلام حمایت ترکیه از ائتلاف به‌رهبری عربستان علیه یمن را بایستی مقابله با سیاست‌های گسترش نفوذ ایران در منطقه دانست. ترکیه در راستای این دیدگاه و سیاست خود، در آوریل ۲۰۱۹، دارایی‌های سه تن از مقام‌های ارشد انصارالله، یعنی عبدالملک حوثی، رهبر، عبدالله یحیی‌الحکیم، مقام دوم، و عبدالخالق حوثی، فرمانده نظامی انصارالله را در یمن، مسدود کرد.

ترکیه افزون‌بر تقاضای خروج نیروهای تروریستی از یمن، از ایران نیز می‌خواهد که به منظور ایجاد ثبات و امنیت در یمن، نیروهای وابسته به خود را از این کشور خارج کند و اقدامات و سیاست‌های این کشور در منطقه را محکوم می‌کند؛ بنابراین، ترکیه نیز با پیگیری اهداف تجدیدنظرطلبانه و ایدئولوژیکی مانند تضعیف ایران و جلوگیری از نفوذ بیشتر آن در منطقه، خواهان جلوگیری از گسترش بیشتر روایت شیعی

ایران از اسلام در یمن توسط انصارالله است.

همان گونه که در بخش روش شناسی مقاله توضیح داده شد، به منظور استخراج کدها از سخنان شخصیت‌ها، کارشناسان، یا از اسناد و مدارک نهادهایی که در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، و سیاست‌گذاری‌های دو کشور عربستان و ترکیه در ارتباط با محور مقاومت، به عنوان مهم‌ترین وجه سیاست خارجی منطقه‌ای ایران، مشارکت دارند، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. در این راستا، کدها از داده‌ها استخراج شد تا با استفاده از یافته‌های به دست آمده، تناقض، تضاد، تعارض، رقابت، یا همپوشانی نوع نگاه این کشورها درباره محور مقاومت بررسی شود. در ادامه، دیدگاه رهبران دو کشور عربستان و ترکیه درباره محور مقاومت، به صورت تطبیقی و کدنوشته ارائه شده است.

جدول شماره (۱). کدهای تطبیقی دیدگاه رهبران دو کشور عربستان و ترکیه درباره محور مقاومت

اردوغان	ملک سلمان و محمد بن سلمان	
- بشار اسد تروریست است؛ - بشار اسد قاتل است؛ - بشار اسد سفاک است؛ - دولت بشار اسد یک دولت تروریستی است؛ - دولت بشار اسد غیرقانونی است؛ - دولت بشار اسد نامشروع است؛ - بشار اسد باید تاوان جنایات خود را بدهد؛ - ایران به دنبال نفوذ در سوریه است؛ - گروه‌ها و دولت‌های خارجی حامی بشار اسد نامشروع هستند؛ - گروه‌ها و دولت‌های خارجی حامی بشار اسد تروریست هستند؛ - پشتیبانی ایران از بشار اسد، مانع سقوط این دولت است؛ - در دولت آینده سوریه، اسد جایی ندارد؛	بشار اسد تروریست است؛ - بشار اسد قاتل است؛ - دولت بشار اسد غیرقانونی است؛ - دولت بشار اسد نامشروع است؛ - گروه‌ها و دولت‌های خارجی حامی بشار اسد نامشروع هستند؛ - گروه‌ها و دولت‌های خارجی حامی بشار اسد، تروریست هستند؛ - پشتیبانی ایران از بشار اسد، مانع سقوط این دولت می‌شود؛ - در دولت آینده سوریه، اسد جایی ندارد؛ - ایران با فرستادن نیرو به حکومت بشار اسد کمک می‌کند؛ - کشتن بشار اسد واجب است؛ - قتل بشار اسد از کشتن اسرائیلی‌ها واجب‌تر است؛ - کشتن بشار اسد از کشتن اسرائیلی‌ها مهم‌تر است؛ - ملت سوریه باید علیه بشار اسد سلاح بردارند؛ - مشروعیت بشار اسد پایان یافته است؛ - اسد، افراط‌گرایان را در منطقه جذب می‌کند؛ - اسد تروریست‌ها را در منطقه جذب می‌کند، - در صورتی ثبات به منطقه بازمی‌گردد که اسد برکنار شده باشد.	نوع نگاه به حکومت کنونی سوریه



<p>- حشدالشعبی شیطان است؛</p> <p>- حشدالشعبی یک گروه تروریستی است؛</p> <p>- ایران در عراق از گروه حشدالشعبی پشتیبانی می کند؛</p> <p>- پارلمان عراق از حشدالشعبی حمایت می کند.</p>	<p>- حشدالشعبی یک گروه شبه نظامی شیعی است؛</p> <p>- شبه نظامیان شیعی حشدالشعبی از سوی افسران ایرانی فرماندهی می شوند؛</p> <p>- شبه نظامیان شیعی حشدالشعبی از سوی قاسم سلیمانی فرماندهی می شوند؛</p> <p>- حشدالشعبی یک گروه فرقه گرای محض است؛</p> <p>- حشدالشعبی یک گروه تروریستی است؛</p> <p>- حشدالشعبی، در برخی از مناطق، مردم عراق را قتل عام می کند.</p>	<p>نوع نگاه به حشدالشعبی</p>
<p>- حوثی ها تروریست هستند؛</p> <p>- حوثی ها در یمن از حمایت گسترده ایران برخوردارند؛</p> <p>- حوثی ها باید یمن را ترک کنند؛</p> <p>- گروه های تروریستی باید یمن را ترک کنند؛</p> <p>- ایران باید یمن را ترک کند؛</p> <p>- اقدامات حوثی ها تمامیت ارضی یمن را با خطر روبه رو می کند؛</p> <p>- اقدامات حوثی ها زمینه افزایش تروریسم در منطقه را فراهم می کند؛</p> <p>- ایران در یمن جنگ نیابتی به راه انداخته است؛</p> <p>- در یمن جنگ میان شیعه و سنی به راه افتاده است؛</p> <p>- ترکیه دولت نجات ملی را به رسمیت نمی شناسد؛</p> <p>- حشدالشعبی مذهب را جایگزین دین کرده اند؛</p> <p>- ایران در عراق پشتیبان گروه حشدالشعبی است؛</p> <p>- ایران در یمن به دنبال نفوذ است.</p>	<p>- حوثی ها تروریست هستند؛</p> <p>- حوثی ها مانند القاعده هستند؛</p> <p>- حوثی ها مانند داعش هستند؛</p> <p>- شبه نظامیان حوثی کودتاگر هستند؛</p> <p>- یمن پس از کودتای حوثی ها دچار بحران شده است؛</p> <p>- نیروهای حوثی پس از کودتا بر کشور یمن مسلط شدند؛</p> <p>- نباید حوثی ها در یمن به حکومت برسند؛</p> <p>- حوثی ها موشک های بالستیک دارند؛</p> <p>- حوثی ها غارتگرند؛</p> <p>- عربستان، دولت نجات ملی را به رسمیت نمی شناسد؛</p> <p>- عربستان با این هدف که کشور یمن به دست شبه نظامیان حزب الله نیفتد، در این کشور مداخله کرد؛</p> <p>- حوثی ها حزب الله دیگری هستند؛</p> <p>- حوثی ها از حزب الله خطرناک ترند؛</p> <p>- عربستان با هدف اینکه کشور یمن به دست ایران نیفتد، در این کشور مداخله کرد؛</p>	<p>نوع نگاه به انصارالله</p>
<p>- حزب الله یک سازمان تروریستی است؛</p> <p>- اقدامات حزب الله برای رضای خدا نیست؛</p> <p>- حزب الله برای شیطان کار می کند؛</p> <p>- حزب الله، حزب شیطان است؛</p> <p>- ایران در لبنان به دنبال نفوذ است.</p>	<p>- حزب الله مانند القاعده است؛</p> <p>- حزب الله مانند داعش است؛</p> <p>- حزب الله تروریست است؛</p> <p>- حزب الله سلاحی در دست ایران است؛</p> <p>- حزب الله ثبات منطقه را تهدید می کند؛</p> <p>- حزب الله ثبات لبنان را تهدید می کند؛</p> <p>- ایران از حزب الله برای گسترش نفوذ خود در منطقه استفاده می کند؛</p> <p>- حزب الله مشکل اصلی در لبنان است؛</p> <p>- حزب الله در کشورهای عربی دخالت می کند؛</p> <p>- حزب الله نظام سیاسی لبنان را به گروگان گرفته است.</p>	<p>نوع نگاه به حزب الله</p>



کدهای به دست آمده، نخست، نشان دهنده تضاد ذهنیت رهبران عربستان سعودی و ترکیه با ذهنیت رهبران جمهوری اسلامی ایران درباره محور مقاومت است، و دوم اینکه بررسی گفتار این رهبران به صورت یک روند در طول سال‌های متمادی، نشان دهنده تداوم ذهنیت ضد محور مقاومت عربستان و ترکیه است.

۴. تداوم ذهنیت ضد مقاومت

در ادامه، ذهنیت رهبران ریاض و آنکارا درباره محور مقاومت، تبیین و بررسی شده است.

۴-۱. تداوم ذهنیت ضد مقاومت در ریاض

عربستان با توجه به ذهنیت رهبران این کشور و عوامل سازنده آن (از جمله ارزش‌های وهابی اسلامی، مدرنیزاسیون، و منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی-امنیتی، و هویتی) و بر مبنای تجربه‌هایی مانند بروز خیزش‌های مردمی در جهان عرب و احساس تهدید از سوی اسلام‌گرایان شیعه و اخوانی، احساس تهدید از افزایش نفوذ ایران شیعی در منطقه، برنامه هسته‌ای ایران (که آن را تهدیدی برای امنیت کشورهای دیگر منطقه می‌داند و موازنه قدرت را در منطقه به نفع ایران و به ضرر رقبای منطقه‌ای مانند عربستان به هم می‌زند)، احساس خطر در برابر افزایش نفوذ حزب‌الله شیعه در سوریه، یمن و عراق، احساس تهدید از سوی انصارالله مورد حمایت ایران (به ویژه به دلیل موشک‌پراکنی آن‌ها به خاک عربستان)، احساس ناامنی کشتی‌رانی در دریای عمان و خلیج فارس به دلیل تحرکات ایران، تداوم کسب و حفظ منافع اقتصادی-نظامی-امنیتی آمریکا، بهره‌مندی از منافع اقتصادی ناشی از نزدیکی به اسرائیل به عنوان متحد آمریکا در منطقه، می‌توان گفت که این کشور در پی عادی‌سازی روابط با اسرائیل است. همچنین، عربستان، محور مقاومت را ابزاری برای گسترش نفوذ ایران شیعی، و نه وسیله‌ای برای حل و فصل قضیه فلسطین، به شمار می‌آورد. در واقع، عربستان بر پایه نقش‌های پیش‌گفته، در پی ارائه راهکار و ابتکار خود برای حل قضیه فلسطین و تضعیف محور مقاومت مورد نظر جمهوری اسلامی ایران است.

این کشور، در پی تضعیف عناصر سازنده محور مقاومت و از بین بردن آن‌ها به منظور تضعیف رقیب منطقه‌ای خود، یعنی ایران، و تضعیف روایت شیعی این کشور در منطقه است؛ اهدافی که با تحقق آن‌ها می‌تواند به خواسته‌های بلندپروازانه‌اش، یعنی رسیدن به جایگاه برتر منطقه‌ای، دست یابد. به طور کلی مواضع عربستان در مورد محور مقاومت و عناصر سازنده آن را می‌توان تلاشی در راستای تحقق اهداف برآمده از ماهیت محافظه کارانه (تلاش برای حفظ توازن قوا در برابر ایران، تلاش برای حفظ نظام‌های سیاسی دوست، مانند منصور هادی)، ماهیت تجدیدنظرطلبانه با اهداف محدود (تلاش برای تضعیف رقیب منطقه‌ای خود یعنی ایران، تلاش برای ایفای نقش فعال در منطقه) و ماهیت ایدئولوژیک یا تجدیدنظرطلبانه



با اهداف نامحدود (تلاش برای رهبری و الگو واقع شدن برای جهان اسلام برپایه روایت وهابی خود از اسلام، تلاش برای حمایت از گروه‌ها و کشورهای پشتیبان روایت خود از اسلام و تضعیف روایت‌های رقیب از اسلام) دانست.

۴-۲. تداوم ذهنیت ضد مقاومت در آنکارا

ذهنیت اردوغان و عوامل سازنده آن، مانند ارزش‌های اسلامی اخوانی، عثمانی‌گرایی، لائیک بودن (روایت خاص خود از آن)، دموکراسی، عدالت خواهی، حمایت از مظلومان و مسلمانان و تجربه‌هایی مانند به‌زندان افتادن توسط ارتش ترکیه به دلیل داشتن گرایش اخوانی-سیاسی و تجربه حذف احزاب اسلام‌گرا در ترکیه، سبب شده است که او تمام تلاش خود را برای حفظ اسلام‌گرایی اخوانی در عرصه داخلی ترکیه (با وجود اعتقاد به لائیک بودن قانون اساسی این کشور) و در عرصه خارجی از طریق حمایت از اخوان المسلمین سوریه و حماس در فلسطین، به کار گیرد. افزون‌براین، وی تجربه‌های دیگری مانند رخ دادن خیزش‌های جهان عرب و احساس تهدید ناشی از افزایش نفوذ ایران شیعی در منطقه، افزایش نفوذ حزب الله در سوریه، عراق و یمن، تشکیل گروه‌های شبه نظامی شیعی انصارالله در یمن و حشدالشعبی در عراق را عواملی برای کاهش نفوذ ترکیه و گرایش‌های اخوانی مورد نظر آن و سبب افزایش مداخله ایران شیعی در منطقه می‌داند؛ از این رو، با وجود استفاده و بهره‌گیری خود از گروه‌های مشابه در منطقه، محور مقاومت را ابزاری برای گسترش نفوذ ایران در منطقه و نه رویارویی و مقابله با اسرائیل به‌شمار می‌آورد.

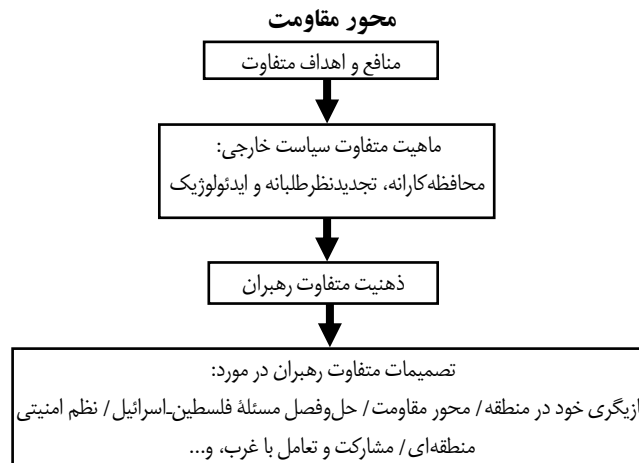
ترکیه به‌خوبی می‌داند که از زمان شکل‌گیری امپراتوری عثمانی در این کشور و امپراتوری صفویه در ایران، ترکیه و ایران با وجود برخی حوزه‌های منافع مشترک، رقیب یکدیگر بوده‌اند. به بیان روشن‌تر، ترکیه، ایران را یکی از چند قدرت بزرگ منطقه می‌داند که سیاست‌ها و منافع مورد نظرش را در سطح منطقه دنبال می‌کند؛ سیاست‌ها و منافی که در مواردی می‌تواند با منافع ترکیه همپوشانی داشته باشد و در موارد دیگری ممکن است در بر دارنده تضاد باشد؛ برای مثال، پشتیبانی از دولت بشار اسد، یک اولویت مهم برای ایران در سطح منطقه است که با منافع ترکیه همخوانی ندارد. به همین سبب، ترکیه به‌صورت هم‌زمان، از یک سو، تلاش می‌کند منافع مشترک با ایران را در سطح منطقه پیش ببرد و از سوی دیگر، به مقابله و مواجهه با آن دسته از منافع و سیاست‌های ایران پردازد که احتمالاً با منافع ترکیه سازگار نیستند. بنابراین، به نظر می‌رسد که ترکیه با ایفای نقش فعال در منطقه و با تروریست خواندن اسد [طبق ادعا] و تأکید بر سرنگونی دولت وی و تروریست خواندن حزب الله، انصارالله، و حشدالشعبی، در پی تضعیف رقیب منطقه‌ای خود یعنی ایران، تضعیف نفوذ منطقه‌ای آن، تضعیف روایت خاص ایران شیعی از اسلام، و



افزایش نفوذ خود در منطقه است. دستیابی به این اهداف می‌تواند سبب هموار شدن مسیر ترکیه برای رسیدن به هدف تجدیدنظرطلبانه موردنظرش، یعنی رسیدن به جایگاه برتر در سطح منطقه، شود. این اهداف ترکیه نیز باید در راستای ماهیت تجدیدنظرطلبانه با اهداف محدود سیاست خارجی، یعنی ارتقای جایگاه خود در سطح منطقه و ماهیت ایدئولوژیک سیاست خارجی این کشور، در نظر گرفته شود. برپایه این ماهیت، ترکیه در پی کسب جایگاه برتر در نظام منطقه‌ای فعلی خاورمیانه است. افزون‌براین، لازم است که تمایل اردوغان برای به رسمیت شناختن دولت منصور هادی و کمک به وی را نیز در راستای اهداف محافظه کارانه سیاست خارجی ترکیه، یعنی حفظ وضع موجود در یمن، در نظر بگیریم.

از یک سو، ذهنیت متفاوت رهبران سه قطب قدرت (جمهوری اسلامی ایران، عربستان، و ترکیه) در منطقه خاورمیانه درباره محور مقاومت و از سوی دیگر، نزدیکی (اگر نگوئیم همپوشانی) دیدگاه ضدیت محور عربستان و ترکیه در مورد محور مقاومت، مخاطره‌ای برای جمهوری اسلامی ایران است. درباره مبانی و زمینه‌های شکل‌گیری ذهنیت و دیدگاه این رهبران درباره محور مقاومت، می‌توان گفت، منافع و اهداف متفاوت هریک از این کشورها که سازنده هویت آنهاست، سه ماهیت متفاوت محافظه کارانه (حفظ وضع موجود)، تجدیدنظرطلبانه (تغییر وضع موجود) و ایدئولوژیک را برای سیاست خارجی هریک از آنها ایجاد می‌کند. این منافع و هویت‌ها، سازنده بخشی از ذهنیت رهبران هر کشور است. هریک از رهبران برپایه منافع، اهداف، و ماهیت‌های سه‌گانه سیاست خارجی خود، تصمیم‌ها و سیاست‌هایی اتخاذ و اقداماتی را انجام می‌دهند. در بسیاری از موارد، سیاست‌ها و اقداماتی که این کشورها در راستای بازیگر بودن خود انجام می‌دهند، با اهداف و اقدامات قطب‌های دیگر قدرت در منطقه در تناقض است؛ برای مثال، در مورد موضوع سوریه، جمهوری اسلامی ایران در راستای ماهیت سیاست خارجی تجدیدنظرطلبانه خود در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، خواهان حفظ دولت بشار اسد در سوریه است، در حالی که عربستان و ترکیه، در راستای ماهیت ایدئولوژیک و محافظه کارانه سیاست خارجی خود، خواهان کنار رفتن بشار اسد از قدرت هستند؛ بنابراین، ذهنیت متفاوت این رهبران درباره تمام مسائل منطقه، سبب تفاوت دیدگاه آنها درباره موضوع‌های گوناگون مانند محور مقاومت، نظم امنیتی منطقه، مشارکت یا تعامل با غرب، حل و فصل مسئله اسرائیل، فلسطین، و... می‌شود. این پیش فرض را می‌توان در الگوی زیر نشان داد.

شکل شماره (۲). مبانی و زمینه‌های شکل‌گیری ذهنیت و دیدگاه رهبران ایران، عربستان، و ترکیه در مورد



نتیجه‌گیری

تداوم ذهنیت متفاوت و سیاست‌های فعلی عربستان و ترکیه، سبب افزایش مخاطره برای جمهوری اسلامی ایران می‌شود؛ به‌ویژه اگر تداوم این برداشت‌ها و سیاست‌ها از سوی کشورهای یادشده، تأمین‌کننده سود و منافع آن‌ها باشد. همچنین، اگر قدرت‌های بزرگ نیز خواهان مقابله با نفوذ ایران باشند، مخاطره، تشدید شده و تنش، افزایش خواهد یافت. هر دو کشور عربستان و ترکیه به دلیل نوع ذهنیت خود در مورد محور مقاومت، آن را ابزاری برای افزایش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران و نه ابتکاری برای مبارزه با اسرائیل می‌دانند؛ از این رو، نه تنها با محور مقاومت همراهی نمی‌کنند، بلکه در صدد مقابله با آن نیز هستند؛ بنابراین، تصمیم‌هایی که در مورد محور مقاومت می‌گیرند، به‌عنوان بازخوردی مثبت وارد ذهن آن‌ها می‌شود؛ زیرا، ذهن رهبران و سیاست‌گذاران، تصمیم‌های اتخاذشده را منطبق با منافع، ارزش‌ها، هنجارها، اهداف، و نقش‌های خود می‌دانند؛ مگر اینکه اتفاق شگرفی در سطح داخلی، منطقه‌ای، و بین‌المللی روی دهد یا دستگاه دیپلماسی ایران بتواند رهبران کشورهای دیگر را مجاب کند که محور مقاومت نه در راستای نفوذ ایران و تشیع، بلکه در راستای دفاع از حقوق فلسطینیان است. به نظر می‌رسد، تاکنون ایران به دلایل گوناگون نتوانسته است اصل هدف و منظور خود را از محور مقاومت به کشورهای دیگر، تفهیم و القا کند.

رخ دادن هر رویداد جدید و شگفتی‌سازی مانند شکل‌گیری واقعیت‌های جدید در سطح داخلی (برای مثال، روی کار آمدن افراد جدیدی در این دو کشور که خواهان حل و فصل قضیه فلسطین به گونه‌ای دیگر، همسو با دیدگاه و نظر ایران، باشند) یا بروز رویدادهای جدیدی در سطح منطقه‌ای که سبب اتخاذ



سیاست‌هایی متفاوت از سوی رهبران شود، می‌تواند مخاطره و تنش را در سطح منطقه کاهش دهد. همچنین، چنانچه بازخورد تصمیم‌های گرفته‌شده از سوی رهبران درباره قضیه فلسطین و محور مقاومت در پالایه شناخت (ذهنیت رهبران و تصمیم‌گیران) آن‌ها به شکل منفی باشد، یعنی آن تصمیم‌ها را برخلاف منافع، اهداف، و نقش‌های خود بدانند، در این صورت ممکن است در تصمیم‌ها و نوع نگرش و برداشتشان در مورد محور مقاومت بازنگری کنند.

رهبران عربستان سعودی، منافع و اهداف ایدئولوژیک (الزامات اسلامی-عربی)، سیاسی، و اقتصادی خود را در ارتباط با برخی کشورها، مانند اسرائیل، به طور کامل از هم تفکیک کرده‌اند؛ به این معنا که با وجود اهداف و منافع ایدئولوژیک ناشی از حمایت از مردم فلسطین در جهان اسلام، در راستای منافع اقتصادی و سیاسی، همچنان با اسرائیل ارتباط غیررسمی دارند. اما به نظر می‌رسد که رهبران ترکیه، منافع ایدئولوژیک (اسلامی)، سیاسی، و اقتصادی را در ارتباط با همه کشورهای به گونه‌ای کاملاً جدا از هم تفکیک کرده‌اند؛ به گونه‌ای که ترکیه در راستای منافع ایدئولوژیک از فلسطینیان حمایت می‌کند، اما در راستای منافع اقتصادی، ارتباط خود را با اسرائیل نیز حفظ می‌کند؛ در راستای منافع ایدئولوژیک، آشکارا با ایران مخالفت می‌کند و در راستای منافع اقتصادی، خواهان همکاری کامل با ایران است. در واقع، ترکیه در سطح کلان با ایران همکاری‌هایی دارد، اما نمی‌خواهد با نایبان منطقه‌ای آن نیز تنش داشته باشد. هرچند تنش را در سطح لفظی و مدیریت‌شده در مورد عناصر محور مقاومت و سیاست‌های ایدئولوژیک ایران حفظ می‌کند.

نتیجه اینکه تداوم تفاوت ذهنیت و سیاست‌های این دو کشور با ذهنیت مقامات ایران و برداشت نادرست از واقعیت‌ها، به ویژه در مورد محور مقاومت و به شمار آوردن این محور به عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران و نه مبارزه با اسرائیل، می‌تواند چالش‌های بین‌المللی، منطقه‌ای، و داخلی‌ای را برای ایران در پی داشته باشد، مگر اینکه تصمیم‌گیران سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران بتوانند با ابزارهای پرشمار دیپلماتیک و چانه‌زنی پیوسته، ضرورت توجه و حمایت از ایده و کنشگری محور مقاومت را به عنوان امری برآمده از شرایط تحمیل‌شده و کنونی به منطقه (از جمله منازعه فلسطین-اسرائیل و مداخلات خارجی) برای بازیگران دیگر مؤثر این منطقه، تشریح و تبیین کنند.

References

General Administration of Bills, Compilation and Revision of Laws and Regulations (undated). *The Complete Text of the Constitution of the Islamic Republic of Iran with the Amendments of 1368*. Tehran: Ministry of Science, Research and Technology. Available at: <https://moghararat.msrt.ir/file/download/regulation>

- /1497687031-.pdf [in Persian] Istanbul/Anatolia News Agency. (October 22, 2019). Erdogan: The Statements of some Iranian Officials Upset me. from Anatolia news agency. Retrieved in 11 January 2021. Available at: <https://bit.ly/39hhrfh> [in Persian].
- Afshon, toraj & Allahkaram, Abdolhossein (September 2018). *Comparison and Conflict of US- Heshad al-Sha'bi Security Approach in Iraq; Procedure and Perspective*. 11(42). 41-72. Available at: http://www.iaujournals.ir/article_543183_8580574f9471e84243fb72c64b0e2683.pdf [in Persian].
- Iran Sputnik (March 31, 2018). *Crown of Saudi Arabia: Assad will Remain in Power*. Iran Sputnik, Retrieved in 11 April 2021. <https://bit.ly/3gug4ik>. [in Persian].
- Ankara/Anatolia News Agency (December 01, 2016). *Turkey does not Recognize the Government of the Houthis in Yemen*. Anatolia News Agency. Retrieved in 18 November 2021. <https://bit.ly/3js7ukc> [in Persian].
- Ankara/Anatolia News Agency (January 12, 2016). Erdogan: Iran is Trying to Ignite a New Dangerous Trend. *Anatolia News Agency*. Retrieved in 10 November 2021. <https://bit.ly/39gxrtq>. [in Persian].
- Ankara/Anatolia News Agency (February 28, 2020). Turkey: All the Targets of the Assad Regime are under Intense Bombardment by our Air and Ground Forces. *From Anatolia News Agency*. Retrieved in 11 November 2021. <https://bit.ly/30uqsc8>. [in Persian].
- BBC Farsi (May 20, 2017). Trump and the King of Saudi Arabia's fierce attack on Iran. *BBC Farsi*. Retrieved in 11 November 2021. <http://www.bbc.com/persian/iran-39991567>. [in Persian].
- BBC Farsi (May 31, 2019). *King Salman: Iran is a threat to global security*. From *BBC Farsi*. Retrieved in 11 November 2021. <https://www.bbc.com/persian/iran-48470018> [in Persian].
- BBC Farsi (May 2018). In other words: BBC World Service interview with Recep Tayyip Erdogan. *BBC Persian*. Retrieved in 9 August 2021. <https://www.youtube.com/watch?v=6wz9w1j3rya>. [in Persian].
- Eltyaminia, Reza, Dolat Abadi, Bagheri, Ali & Nikfar, Jaseb (December 2016). *Yemen Crisis: Survey of Contexts and Goals of External Intervenes Saudi Arabia and America*. 5(18)-Serial Number 48, December 2016, Pages 171-198. http://qps.atu.ac.ir/article_6802_8857cec3f9b35d596149bcc49d8298c7.pdf. [in Persian]
- Jervis, Robert (November 23, 2011). *The Upward Spiral of International Insecurity*. Translation: Alireza Tayeb. Tehran: Raskhun. Retrieved in 11 May 2021. <https://bit.ly/38yf0tg>. [in Persian].
- Chin, Christian & Mittelman, James (2009). Conceptualizing resistance to globalization. *Perspectives on World Politics*. edited by Richard Little and Michael Smith. Translation. Alireza Tayeb Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [in Persian].
- Dubai-Al Arabiya. Farsi Net (February 17, 2017). Detailed Interview of Recep Tayyip Erdogan with Al-Arabiya network. *Al Arabiya Persian*. Retrieved in 17 November 2020. <https://farsi.alarabiya.net/fa/middle-east/2017/02/17/a9.html>. [in Persian].
- Dubai.Al-Arabiya.net Farsi (November 16, 2017). Al-Jubeir: Hezbollah is a Weapon in the Hands of Iran that Threatens the Stability of Lebanon and the Region. *Al-Arabiya Persian*. Retrieved in 19 September 2021. <https://bit.ly/2onroje>. [in Persian].
- Dubai.Al-Arabiya.Net Farsi (November 17, 2017). Al-Jubeir: Without the disarmament of Hezbollah. *There will be no Peace in Lebanon*. *Persian Arabic*. *Al-Arabiya Persian*. Retrieved in 10 November 2021. <https://bit.ly/2zuevdh>. [in Persian].

Dubai-Al Arabiya. Farsi Net (April 3, 2018). Commentary on the Atlantic American magazine's interview with Prince Mohammed bin Salman - part two. *Al-Arabiya Persian*. Retrieved in 17 November 2021. <https://bit.ly/2oox8fr>. [in Persian].

Dubai-Al-Arabiya.net Farsi (October 26, 2017). Saudi Crown Prince: We will not Allow Another Hezbollah to Emerge Near our Borders. *Al-Arabiya Persian*, Retrieved in 16 November 2021. <https://bit.ly/3ewmfv>. [in Persian].

Dubai-Al-Arabiya.net. Farsi (September 19, 2016). Al-Jubeir to Zarif: Iran Supports Terrorism with undeniable Facts. *Al-Arabiya Persian*. Retrieved in 18 August 2021. <https://bit.ly/3ja69yq>. [in Persian].

Dubai-Al-Arabiya.net. Farsi (December 23, 2015). King Salman's Emphasis on the Fight against Terrorism, Support for Palestine and a Political Solution in Syria and Yemen. *Al-Arabiya Persian*. Retrieved in 15 March 2021. <https://bit.ly/3gyvcga> [in Persian].

Leader.ir: The Office of the Supreme Leader. (22 February 2017). *Statement of "The Second Step of the Revolution"*. addressed to the people of Iran. Leader.ir: The Office of the Supreme Leader. Retrieved in 15 November 2021. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?Id=41673>. [in Persian].

Leader.ir: The Office of the Supreme Leader. (March 25, 2014). *Statements in the Meeting of the Members of the Assembly of Representatives of Students and Alumni of Qom Seminary*. Leader.ir: The Office of the Supreme Leader. Retrieved in 17 June 2021. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?Id=32763>. [in Persian].

Leader.ir: The Office of the Supreme Leader. (August 22, 2018). The Meeting between the Spokesman of the Ansar Allah Movement in Yemen and the Delegation with the Leader of the Revolution. Leader.ir: *The Office of the Supreme Leader*. Retrieved in 3 July 2021. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?Id=43236> [in Persian].

DW Persian (16 May 2018). The United States and Six Arab Countries Sanctioned Lebanon's Hezbollah Leaders. *DW Persian*. Retrieved in 18 november 2021. <https://www.dw.com/fa-ir/a-43824321>. [in Persian].

DW Persian (December 27, 2015). Erdogan's Criticism of Iran's "Sectarian Policy" in Syria. *DW Persian*. Retrieved in 18 november 2021. <https://bit.ly/3jxk6er>. [in Persian].

DW Persian (May 27, 2013). Increasing Turkish criticism of Hezbollah and Iran's involvement in Syria. *DW Persian*. Retrieved in 18 november 2021. <https://bit.ly/2e05nwj>. [in Persian].

Rameshgar, Rahim (undated). Political Psychology and Recognition of Leaders. *Aryan*. [Http://www.ariaye.com/dari13/elmi/rahim3.pdf](http://www.ariaye.com/dari13/elmi/rahim3.pdf). [in Persian].

Al-Alam-Turkey (February 15, 2017). Erdogan Talks about his Country's Relations with Syria +Video. *Al-Alam Network*. Retrieved in 18 november 2021. <https://fa.alalamtv.net/news/4043476/>. [in Persian].

Moshirzadeh, Homeyra (2017). *Theoretical Foundations of Foreign Policy Explanation and Analysis*. Tehran: Samt. [in Persian].

Al-Masri, Ahmed (20 April 2017). Erdogan's opposition to the division of Syria and Iran's policy in the region. *Anatolia News Agency*. Retrieved in 8 February 2022. <https://bit.ly/2cbhobd>, [in Persian].

Mirghaderi, S.F & Kiyani, Hussein (April 2012). *Purporst of Resistance Literature in the Quran*. 01(1), -Serial Number 1. Pages 69-97. http://jrila.isca.ac.ir/article_131_a7bdac3fe91f5ba2047432fa4f41d78f.pdf. [in Persian].



- Turkish Radio and Television Corporation (trt) (20 April 2017). *Erdogan's Opposition to the Division of Syria and Iran's Policy in the Region*. Turkish Radio and Television Corporation (trt). Retrieved in 1 December 2022. <https://www.trt.net.tr/persian/thlyl-w-gzrsh/2017/04/20/mkhlftrdwgn-b-tjzyh-swryh-w-syst-yrn-dr-mntqh-717169>. [in Persian].
- Turkish Radio and Television Corporation (trt) (March 27, 2015). Erdogan Supported the Operation of Saudi Arabia. *Turkish Radio and Television Corporation (trt)*. Retrieved in 16 jun 2022. <https://www.trt.net.tr/dari/trkhyh/2015/03/27/rdwgn-mlyt-rbstn-s-wdy-mwr-d-hmyh-qrr-dd-284470>. [in Persian].
- EuroNews (21 May 2017). The King of Saudi Arabia: Iran is the Tip of the Spear of Global Terrorism. *EuroNews*. Retrieved in 16 jun 2022. <http://fa.euronews.com/2017/05/21/pe-2105-saudi-king-iran>. [in Persian]
- Hermann, Margaret G. (2002) *Assessing Leadership Style: A Trait Analysis*. Cite seer x, <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.487.3393&rep=rep1&type=pdf>.
- Hermann, M. G. (1980). Explaining Foreign Policy Behaviour using the Personal Characteristics of Political Leaders. *International Studies Quarterly*, 24(1).
- Hermann, M. G. (1987b). Assessing the Foreign Policy Role Orientations of Sub-Saharan African Leaders. In Walker, S. G. (ed.). *Role Theory and Foreign Policy Analysis*. Durham, N.C.: Duke University Press.
- Hermann, M.G. (2002). Assessing Leadership Style: A Trait Analysis. *Social Science Automation, Inc.* <https://socialscience.net/docs/LTA.pdf>.
- Hermann, M. G. (2010). Assessing Leadership Style: A Trait Analysis. *The Psychological Assessment of Political Leaders*. 178-212, University of Michigan Press.
- Hermann, C. (1990). Changing Course: When Governments Choose to Redirect Foreign Policy. *International Studies Quarterly*, 34(1).
- Kaarbo, Juliet, and Hermann & Margaret G. (1998). Leadership Styles of Prime Ministers: How Individual Differences Affect the Foreign Policymaking Process. *Leadership Quarterly* 9, 243- 263.
- Otara, Alfred (September 2011). Perception: A Guide for Managers and Leaders. *Journal of Management and Strategy*, 2(3), <http://sciedu.ca/journal/index.php/jms/article/viewFile/397/187>.
- The Guardian (2 May 2017). Iran is Seeking 'to Control Islamic World: Says Saudi Arabian Prince. *The Guardian*, <https://bit.ly/3h11gif>.
- BERLIN (Reuters) (APRIL 30, 2020). *After U.S., Israeli Pressure, Germany Bans Hezbollah Activity, Raids Mosques*. Reuters, <https://reut.rs/39fvECV>, (25 Apr 2020).
- Otara, Alfred (September 2011). Perception: A Guide for Managers and Leaders. *Journal of Management and Strategy*, 2(3), <http://sciedu.ca/journal/index.php/jms/article/viewFile/397/187>.
- The Guardian (2 May 2017). Iran is Seeking 'to Control Islamic World'. Says Saudi Arabian Prince. *The Guardian*, <https://bit.ly/3h11gif>.
- BERLIN (Reuters) (APRIL 30, 2020), *After U.S., Israeli Pressure, Germany Bans Hezbollah Activity, Raids Mosques*. Reuters, <https://reut.rs/39fvECV>, (25 Apr 2020).